

# همراه

دوره جدید - شماره پنجاه و چهارم  
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا - چهارشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۴

## جاذبه‌های جلفا

Նոր Զուղայի Տեսարժան վայրեր

نگاهی به تاریخ، فرهنگ، نخبگی‌ها  
و آداب و رسوم محله جلفا



به همراه گفت‌وگوهایی با فعالان و اینتارگران محله:

لوسینه ست‌آقایان (بانوی بسکتبالیست)، هیتوک موسسیان (کارآفرین)، سرهنگ خلبان آرتیم ملیکیان (رزمنده دفاع مقدس)، مانیا غوکاسیان (معاون اجرایی مؤسسه آموزشی آرامنه)، مقدی خدابخشیان (استاد دانشگاه)، نوئل میناسیان (رئیس مجمع نمایندگان خلیفه‌گری آرامنه اصفهان و جنوب ایران)، آرت هاپتایان (مدیر موزه موسیقی آرامنه جلفای نو)، آسانت هاکوپیان «خواهر شهید هراچ هاکوپیان»، هامیک الکساندریان (رهبر گروه کر داتو جلفای نو)، کشیش وارطان آقابابایان (از روحانیون آرامنه محله جلفا)

عکس از

کوثر رحیمی



زینب دبیری

# شهری به نام جلفا

سفر به محله جلفا و آشنایی با تاریخ ارامنه ساکن اصفهان

اصفهان به عنوان شهری با قدمت تاریخی و شهری با ساختار محله محور، ظرفیت فراوانی برای مطالعات اجتماعی فرهنگی دارد. این شهر در طول دوره های تاریخی دستخوش تحولات زیادی شده که در بافت و شکل گیری محله ها بی تأثیر نبوده است؛ بنابراین بررسی تاریخی این محله ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. محله جلفا از جمله محله های تاریخی اصفهان است که با اسکان ارامنه شکل گرفت. با وجود اختلاف های فرهنگی و مذهبی بین مسلمانان و ارمنیان تعامل آن ها با یکدیگر همواره توأم با آرامش و احترام متقابل بوده است.

جامعه ارامنه اصفهان در جریان های سیاسی و اجتماعی این شهر، از اوج شکوفایی تا افول فرهنگی و اقتصادی و سپس صعود مجدد اصفهان همواره مشارکت داشته اند و هرگز خود را جامعه ای مجزا از سایر اقشار اصفهان به شمار نیاورده اند.

شاه در ۱۸۱۳ قمری پس از کوچ ارامنه به اصفهان، بخش جنوبی زاینده رود را برای خانه سازی مهاجران اختصاص داد. ارامنه در کنار زاینده رود به نام شهر قدیمی، شهری ساختند که جمعیت آن به پنج هزار تن می رسید.

زمین جلفا را بخشی به اعانه گرفتند و بخشی با پرداخت پول آن را خریدند؛ به ارامنه ایروان نیز در یکی از محله های اصفهان مسکن دادند و آن را محله ایروانیان نامیدند؛ دسته های دیگر به نام تبریزیان و نخجوانیان هم در شمس آباد و محله هایی ساکن شدند که به نام ایشان موسوم شد. در سال های بعد نیز گروه های دیگری از ارامنه به ایران آمدند و به همراه این گروه ها، عده ای از استادان و سنگ تراشان ارمنی هم به جلفای نو منتقل شدند؛ از این رو محله آن ها به محله سنگ تراش ها شهرت یافت.

کشاورزان منطقه آرات را در قصبات و بلوک های اطراف اصفهان از جمله لنجان، گندان، چنخور فریدن، بربروت نماگرد، هزارجریب، آغچه و غیره جای دادند و زمین های کشاورزی در اختیارشان گذاشتند. از آنجاکه زمین کنار زاینده رود منطقه کشاورزی همواری بود، امکان طراحی آن به شیوه زیبا و بر طبق معماری و مهندسی شهری فراهم شد. خیابانی طولانی از مشرق به مغرب به طول سه هزار و ۲۷۶ متر کشیدند و آن را به نام خواجه نظر که عالی رتبه ترین مقام جلفا بود، نام گذاری کردند. به گفته ارامنه جلفا پل مارنان به نام خواجه سرافراز، فرزند خواجه نظر (نظرکلانتر) و از تجار مشهور ارامنه جلفای نو بود. خواجه سرافراز پل مارنان را با سرمایه فراوان خود ساخت.

## تجارت ارامنه

مهم ترین امتیازی که ارمنیان به دست



دلایل مختلف شغل و درآمدی نداشتند و به سختی معاش خود را تأمین می کردند.

## مشاغل ایرانیان ارمنی

محققان ارمنی حدود ۴۳ حرفه صنعت را مشخص کردند که ارمنیان اصفهان از عهد شاه عباس اول به بعد به آن مشغول بودند. مشاغل چون زرگری، خیاطی، گچ بری، ساعت سازی، پارچه بافی، تربیت اسب، خبازی، نجاری و میل سازی به سبک اروپایی، صابون سازی، کفافی، آینه سازی، پزشکی، اسلحه سازی، تاریخ نگاری، شمس سازی، رنگرزی و قالی بافی بسیار متداول بوده است. در دوره قاجاریه به دلیل بی توجهی دولت به صنعت نساجی این شغل در میان ارامنه نیز رو به زوال رفت. آن ها کار در حوزه الکتریکی و... را پیشه کردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی هزار سال هم زیستی مسالمت آمیز ارامنه و مسلمانان همچنان ادامه یافت.

## معماری کلیساهای اصفهان

کلیساهای ارامنه واقع در کشورهای چون ایران، از معماری خاص سرزمین های جدید نیز تأثیر پذیرفته اند. از این کلیساها می توان به کلیساهای جلفای اصفهان اشاره کرد که به سبب ویژگی های اقلیمی، مصالح جدید و آجر به جای سنگ، محیط شهری غیرمسیحی، فنون معماری آن زمان و شرایط سیاسی وقت، مستلزم نگرش جدید بود و با مفهوم معماری ارمنی سازگار می شد. کلیساها؛ کالبدی متفاوت با اصل خود یافتند و به بنای ایرانی نزدیک تر شدند. معماری بناهای مذهبی جلفا مانند معماری ایرانی دوران صفویه در سطح بالایی از کمال و جلوه گری است. تأثیر فرهنگ ایرانی و نکته سنجی معماران ایرانی در بینش سنتی معماران

جلفای نو چنان اهمیتی پیدا کرد که آن دوره تاریخی را دوران حکومت بازرگانان ارمنی جلفای نو نامیده اند. ارامنه کلیدی برای تقویت روابط سیاسی، اداری و اقتصادی ایران با اروپا به شمار می آمدند.

## خاندان های مهم ارامنه

خاندان های مهم ارامنه جلفای نو عبارتند از: سرفرازیان ها، شافرازیان ها از نسل های خواجه نظر که سرپرست جلفا بود، یقازاریان ها از خاندان های لازاریان ها، شهرمینیانان های کاتولیک، ولیجانیان ها یا خواجه بغوسیان ها، توپچیان ها از خاندان آوداقا و فرمانده توپخانه بودند، خاندان آمیریان از تاجران معروف جلفا بودند.

## ساختار اجتماعی ارامنه جلفای نو

این ساختار مبتنی بر نظام طبقاتی بود. در رأس این ساختار روحانیون کلیسا، بازرگانان ثروتمند، مالکان اراضی اطراف و کارگاه های بزرگ بودند؛ صاحبان حرفه ها، مشاغل و مزرعه داران نیز در ردیف دوم، کارگران در ردیف سوم و در ردیف آخر این نظام طبقاتی افرادی بودند که به

آوردند، آزادی و حق انحصار تجارت خارجی ایران بود. شاه عباس در ۱۰۲۷ قمری انحصار کمپانی هند شرقی در تجارت ابریشم را لغو و آن را در اختیار ارامنه جلفای نو قرار داد. این امر موجب خصوصیت انگلیسی ها و ارامنه شد و آن ها تا پایان جنگ جهانی اول به جنگ و دشمنی پرداختند.

ایجاد شبکه ای از بازرگانان ارمنی در تجارت خارجی ایران باعث به وجود آمدن سپری در برابر تلاش های اروپائیان برای نفوذ در اقتصاد ایران شد. تجارت ارامنه جلفا منبع ثروتی بود که به برکت آن، مردم جلفا توانستند کلیساهای خود را احداث کنند.

بازرگانان ارامنه جلفای نو ارتباط های گسترده ای با اروپا، به ویژه در زمینه تجارت ابریشم داشتند و از سوی دیگر، با بسیاری از کشورهای شرق همچون هند و چین نیز به دادوستد می پرداختند. در اواسط سده هفدهم، ارامنه اصفهان شرکت بازرگانی جلفای نو را تأسیس کردند و فعالیت چشمگیری در جهانی کردن تجارت ایران انجام دادند و شبکه بازرگانی ایجاد شد. شبکه بازرگانی ایجاد شده به دست ارامنه



مریم(س) و حضرت استپانوس با هزینه نیکوکاران تأسیس شد. در ۱۲۹۷ قمری با تلاش خلیفه مذهبی جلفا به نام گریگور هوانسیان، ساختمان مدرسه مخصوصی با ادغام سه مدرسه پیشین برای پسران به نام «مدرسه ملی» بنا شد؛ همچنین در ۱۳۱۸ قمری، شخص خیرخواهی به نام مانوک هردانانیان برای نخستین بار با هزینه شخصی خود، مدرسه دخترانه کاتارینیان را برای دختران جلفا احداث کرد.

#### خانه‌های قدیمی جلفای نو

هنوز تعدادی از نخستین بناهای باشکوهی که توسط خواجه‌های جلفا ساخته شده‌اند، برجای مانده‌اند و به حیات خود ادامه می‌دهند. دولت خریدوفروش و تغییر در تعدادی از این بناهای ثبت ملی شده را ممنوع کرده است و از این خانه‌ها مراقبت می‌شود. از جمله این خانه‌های تاریخی می‌توان به خانه داوید، عمارت زول، خانه مانوک بارسقیان و خانه سوکیاس که در محله تبریزی‌ها واقع شده‌اند، اشاره کرد. از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به خانه خواجه پطرس اشاره کرد که در محله میدان بزرگ، سمت شرقی خیابان حکیم‌نظامی واقع شده است. متأسفانه، قسمت بزرگی از این خانه تخریب شده است و به جای آن ساختمان‌های جدیدی بنا شده‌اند.



میلادی به درخواست تادئوس، اسقف وقت جلفا، روی ظروف نقره‌ای هدیه شده به کلیسای وانک نقوشی حکاکی کرد. زادور صرافیان، یکی از برجسته‌ترین زرگران جلفایی اصفهان در قرن بیستم بود. او سازنده زیورآلات اشراف و دولتمردان به‌شمار می‌رفت.

#### مدارس ارمنیان ساکن جلفا

ارمنی‌ها در اوایل قرن هفدهم به اصفهان کوچانده شدند. آن‌ها از همان ابتدا دارای مدرسه روحانی بودند. بعدها آن قدر پیشرفت کرد که گاهی به نام دانشگاه نیز از آن یاد می‌شود. در نیمه قرن نوزدهم، سه مدرسه در محوطه سه کلیسای حضرت میناس، حضرت

زرگر میناس به‌عنوان نخستین فرد، در جلفا مغازه‌ای در کنار خانه‌اش، باز و کار خود را روی میزی آغاز کرد. پیش از آن، صنعتگران در خانه‌ها فعالیت کرده و به جای میز از سینی گود مسی استفاده می‌کردند. صنعتگران جلفا دومین رده از طبقات اجتماعی به‌شمار می‌رفتند. در ۱۹۰۰ میلادی، نقره‌کاری در جلفا به مرحله جدیدی وارد شد و زرگران علاوه بر ساخت وسایل تزئینی، به کنده‌کاری روی نقره و ساخت وسایلی چون سینی، قندان، قاشق، چنگال و غیره پرداختند. قلم‌زن‌ها نیز با نقره کار کرده و نقش‌های مختلفی روی وسایل نقره و مسی حکاکی می‌کردند. از قلم‌زنان معروف جلفا می‌توان به هوهانس داویدیان اشاره کرد که در ۱۸۶۳

ارمنی که به ایران مهاجرت کرده بودند موجب پدیدآمدن آثاری شد که از نظر نقاط‌گرایی، منحصر به فرد است. شکل گنبد کلیسای وانک یادآور گنبد مساجد است و ارتباطی با معماری کلیساهای ارمنی ندارد. در بعضی از کلیساهای هیچ ستونی وجود ندارد و گنبد مستقیماً روی دیوارهای اصلی قرار می‌گیرد؛ فقط طرح اصلی جلوه‌گر معماری ارمنی بوده و باقی اجزا از معماری ایرانی صفویه الهام گرفته‌اند. از کلیساهای ارمنی جلفا می‌توان به کلیسای هاوکوپ، کلیسای گئورگ، کلیسای مریم مقدس، کلیسای بیت‌الحم، کلیسای گریگور روشنگر، کلیسا وانک و کلیسای سوپ استاپانوس مقدس اشاره کرد.

#### زرگری در جلفا

با ساکن شدن ارمنیان در جلفای اصفهان، گروهی از آنان به صنعت زرگری روی آوردند. یکی از شاهکارهای زرگران جلفا تخت الماس است که به دست زرگری به نام سرحد ساخته شده. در ۱۹۶۱ میلادی، ملکه بریتانیا به ایران سفر کرد و دولت وقت به رسم پیشکش، کلید طلایی شهر اصفهان را به او اهدا کرد. این کلید اثر گیورگ قازاریان، یکی از زرگران جلفا بود. تمام جواهرات خانواده ظل‌السلطان و استانداران وقت اصفهان به دست زرگران جلفا ساخته می‌شد.

## پیشتازی ارمنی اصفهان در ورزش‌های تویی گفت وگو با لوسینه ست‌آقایان بسکتبالیست اهل جلفا



دلارام فنداری

بزرگ در سطح رقابت‌های کشور علاوه بر نشان دادن قدرت اصفهان در بسکتبال پشتوانه‌ای برای نسل نوجوان و جوانانی است که با علاقه بسکتبال می‌کنند. او اضافه کرد: امیدوارم با تدابیر و حمایت‌های شهردار محترم اصفهان، بتوانیم شاهد حضور تیم‌های بسکتبال بانوان در رقابت‌های سوپر لیگ و سطح یک کشور باشیم.

ست‌آقایان گفت: توصیه من به دختران جوان علاقه‌مند به ورزش این است که هدفمند باشند و بدانند موفقیت، موضوعی به‌غیر از نظم و پشتکار نیست.

او افزود: اکنون که هدایت تیم‌های دختران آارات را در اختیار دارم، تمرکز بر پرورش نسل جدیدی از دختران بسکتبالیست ارمنی است که بتوانم بازیکنان مستعد را به تیم‌های ملی ایران معرفی کنم؛ زیرا ارمنی‌ها همیشه در تیم‌های ملی حضور پررنگ داشته و دارند و این مسئله باعث افتخار جامعه ارمنی است.

این بانوی بسکتبالیست محله جلفا خاطر نشان کرد: ضمن تبریک سال نو میلادی و تولد حضرت مسیح(ع) به تمامی هم‌وطنان ارمنی، سالی پربرکت همراه با آرامش را برای تمامی جهان آرزو دارم؛ همچنین تشکر ویژه دارم از مسئولان روزنامه اصفهان زیبا که این فرصت را در اختیار من قرار دادند تا مشکلات پیش روی ورزش بسکتبال بانوان را شرح دهم.



لوسینه ست‌آقایان، متولد ۱۳۶۹ ساکن محله جلفای منطقه ۵ اصفهان است. این بانوی بسکتبالیست محله جلفا در گفت‌وگو با «هم‌محله» گفت: بسکتبال را همانند بسیاری از ارمنی‌ها از باشگاه آارات شروع کردم و همراه این تیم در مسابقات استانی و کشوری مقام‌های بسیاری کسب کردم؛ سپس در رده جوانان به تیم سپاهان پیوستم و چند سالی با این تیم در مسابقات حاضر شدم. او ادامه داد: به مدت پنج سال با تیم ذوب‌آهن اصفهان در لیگ‌های کشور (لیگ دو، لیگ یک و سوپر لیگ «ب») مقام‌های قهرمانی و سومی را کسب کردم.

این بانوی بسکتبالیست تصریح کرد: در سال‌های ۹۷ و ۹۸ همراه تیم نامی‌نو اصفهان مدال برنز و نقره رقابت‌های سوپر بانوان لیگ کشور را به دست آوردم. ست‌آقایان خاطر نشان کرد: از سال ۹۹ به‌طور جدی‌تر به مربیگری پرداختم و در اولین سال حضور به‌عنوان سرمربی با تیم دسته دو پادامیدک مقام سوم لیگ دو را در ۱۴۰۰ کسب کردم و در ۱۴۰۱ به‌عنوان سرمربی تیم لیگ یک لئونارد اصفهان به قهرمانی کشور رسیدم.

او بیان کرد: در سالی که گذشت، افتخار همراهی تیم ملی دختران زیر ۱۶ سال ایران را به‌عنوان کمک‌مربی داشتم. با این تیم توانستیم برای اولین بار در بخش دختران در رقابت‌های غرب آسیا ۲۰۲۵ (انتخابی بازی‌های آسیای) در لبنان

به‌عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ بانوان بسکتبال از شهردار محترم اصفهان تقاضا دارم نگاه ویژه‌ای به بسکتبال بانوان استان داشته باشند و این موضوع را مدنظر قرار دهند که در گذشته شهر اصفهان به‌عنوان یکی از قطب‌های بسکتبال ایران شناخته شده و همواره بازیکنان اصفهانی و همچنین بازیکنان ارمنی جزو جدایی‌ناپذیر تیم‌های ملی بوده‌اند.

ست‌آقایان تصریح کرد: در حال حاضر چند سالی است که باشگاه‌های بزرگ شهر همانند سپاهان، ذوب‌آهن و... در بخش بانوان تیم‌داری نمی‌کنند و هیچ تیمی به‌عنوان نماینده اصفهان در سوپرلیگ کشور و لیگ یک کشور حضور ندارد و این موضوعی بسیار نگران‌کننده است؛ زیرا حضور باشگاه‌های ریشه‌دار و

به مقام قهرمانی برسیم و جواز حضور در رقابت‌های آسیایی دسته «ب» به میزبانی مالزی را کسب کنیم. در آن رقابت‌ها به‌رغم عملکرد خوب تیم در بازی فینال با اختلاف یک امتیاز بازی را به تیم هند واگذار کردیم و از راهیابی به دسته «A» آسیا بازماندیم. این بانوی بسکتبالیست محله جلفا گفت: همچنین به‌عنوان تنها نماینده ایران در دوره مربیگری بین‌المللی در کشور مجارستان که در فصل پاییز برگزار شد، شرکت کرده و گواهی پایان دوره را با درجه عالی دریافت کردم.

ست‌آقایان افزود: در حال حاضر مدیریت آکادمی شانت را به‌عهده دارم و مربی تیم‌های دختران آارات اصفهان و آکادمی آرن هستم. این بسکتبالیست محله جلفا بیان کرد:



زینب دبیری

# آداب و رسوم جلفایها

## نگاهی به رسوم، غذاها و مراسم خاص ارمانه اصفهان

آناهید ست‌آقیان در گفت‌وگویی با دکتر گودرزی در کتاب «محلله جلفای اصفهان» به بررسی سنت‌های خواستگاری و مراسم ازدواج پرداخته و اشاره کرده است: «ما باشگاهی داریم که فرزندانمان همیشه آنجا حضور دارند. از طریق رفت‌وآمدهایی که با یکدیگر دارند، با هم آشنا می‌شوند و اگر به تفاهم رسیدند و یکدیگر را انتخاب کردند، یک‌بار پدر و مادر داماد به‌همراه بزرگ‌ترهایی مانند دایی و عمو به شکل رسمی به خواستگاری می‌روند و مراحل بعدی را طی می‌کنند.» در مرحله خواستگاری، برای عروس هدیه می‌بریم و مرحله اول را «خسک آرنل» می‌نامیم؛ یعنی به دست آوردن بله. در این مرحله فقط اجازه می‌گیرند و در مرحله بعدی، صحبت می‌کنند و گردن‌بند برای عروس می‌آورند. ما سفره عقد نداریم؛ اما یک میز زیبا و خاص تدارک می‌بینیم که در آن گل، شیرینی، گز، لوز، توت، شمع و حلقه‌ها و هدایای عروس قرار می‌گیرد.

### نقش والدین در مراسم ازدواج

زمانی که می‌خواهند لباس عروس را بپوشانند، از پدر و مادر او اجازه می‌خواهند. و می‌گویند: «با اجازه شما می‌خواهیم لباس عروس را بپوشانیم». اما در مراسم عروسی، کشیش دعا می‌خواند و ابتدا از داماد سؤالی زیبا می‌پرسد: «در زندگی سختی‌هایی مانند بیماری، فقر و ثروت وجود دارد. آیا متعهد می‌شوی که همسرت را همیشه همراهی کنی؟» آنگاه پسر پاسخ می‌دهد و سپس همان سؤال از عروس پرسیده می‌شود: «آیا در سختی و خوشی مطیع و همراه همسرت خواهی بود؟» این بار دختر جواب مثبت می‌دهد. در مراسم ما، حتماً یک ساق‌دوش باید همراه پسر باشد که لباسی مشابه داماد به تن دارد؛ اما نوارهای پارچه‌ای ندارد.

### آماده‌شدن عروس برای جشن

پس از پوشیدن لباس عروس، دختر جوانی که از طرف خواهر عروس آمده است، بندهای سبز و قرمز را برای داماد می‌بندد. کت داماد را قبل از پوشیدن به طور نمادین می‌رقصانند یا به پسرانی



که ازدواج نکرده‌اند، می‌پوشانند تا شانس آن‌ها نیز افزایش یابد. زمانی که عروس آماده خروج از خانه می‌شود، برادر عروس پای او را در کفش می‌گذارد. وقتی عروس آماده می‌شود، برادرش جلوی در می‌ایستد تا داماد با دادن هدیه یا پول اجازه خروج عروس را بگیرد؛ سپس وارد کلیسا می‌شوند و مراسم ازدواج را برگزار می‌کنند.

### روز روزه بزرگ

جشن ما شبیه هالووین کشورهای خارجی نیست؛ ما چند روز پس از هالووین برای روزه بزرگ آماده می‌شویم. روزه بزرگ ما ۴۰ روز است و از اسفند تا فروردین، قبل از عید پاک یک روز جشن داریم. روز بعد از جشن، روزه ما آغاز می‌شود. در شب جشن، ما می‌توانیم هر غذایی بخوریم؛ ولی از روز بعد به مدت ۴۰ روز گوشت، لبنیات و تخم‌مرغ نمی‌خوریم. این فصل زمان تولیدمثل حیوانات است و به همین دلیل به این نکته باور داریم که نباید کشتار صورت بگیرد. غذای روزه بزرگ فقط شامل برنج و سبزیجات است. ما دل‌مه درست کرده و به جای گوشت از مغز گردو و سویا استفاده می‌کنیم یا حبوبات می‌خوریم. برای صبحانه حلوا و برشتوک می‌خوریم که هنوز هم رعایت می‌شود.

### مراسم آب‌پاشان

در بیستم تیر، مراسم آب‌پاشان داریم.

### مراسم عروسی و شیرینی‌های ویژه آن

اسکارلت شهبازیان، یکی دیگر از ارمانه جلفا، در این کتاب درباره غذاهای سنتی ارمانه گفته است: «آش ماست یکی از غذاهای معروف ماست. این آش از سبزی‌های معطر، یک عدد تخم‌مرغ، برنج و ماست تهیه می‌شود و بسیار

خوش‌مزه است.» قبلاً خانم‌های ارمانه در قلاب‌بافی، قالی‌بافی، آشپزی، شیرینی‌پزی و تهیه دسر مهارت داشتند و یوفا درست می‌کردند. ما شیرینی‌های خاصی به نام گاتا و نازوک داریم که حتماً برای مراسم تهیه می‌شوند. گاتا شیرینی دایره‌ای است. درون آن موادی مانند گردو، دارچین، کاکائو، جوز هندی و هل می‌ریزند که با سلیقه خودشان سازگار باشد. اگر بتوانیم گاتا و نازوک را برای مراسم خواستگاری درست کنیم، بهتر است؛ وگرنه از بیرون تهیه می‌کنیم.

### قنادی‌ها و شیرینی‌های نازوک و گاتا

اکثر شیرینی‌فروش‌ها، مانند قنادی پارس که در کنار هتل جلفا قرار دارد، این شیرینی‌ها را دارند و از ۶۰ سال پیش تا کنون گاتاهای اصیل درست می‌کنند. این دو نوع شیرینی حتماً باید در مراسم خواستگاری و بله‌برون وجود داشته باشند.

### غذاهای معروف روز میلاد مسیح

در شب میلاد مسیح حتماً جشن می‌گیریم و غذاهای اصلی همچون کوکوسبزی، ماهی دودی و معمولی، مرغ، انواع سالاد، انواع دسر، سالاد الویه، سالاد سزار، سالاد پاستا، انواع بورانی با اسفناج، ماست بادمجان و سبزیجات دیگر، لوبیای گرم و هر غذایی که بچه‌ها بیشتر تمایل دارند، داریم.

### سالادهای خوش‌مزه ارمانه

در سالاد مخصوص سیب‌زمینی، سیب‌زمینی‌ها آب‌پز می‌شوند و به صورت خمیر درمی‌آیند؛ سپس پیازچه، شوید، جعفری، نمک، فلفل، سرکه و کمی سس مایونز به آن اضافه می‌شود. برای سالاد سزار، مرغ را کباب می‌کنیم و برحسب سلیقه گوجه خشک، زیتون سبز یا سیاه، کاهو و هویج رنده‌شده را اضافه می‌کنیم. سالادی نیز در ارمنستان درست می‌شود. برای تهیه آن بادمجان را با پوست حلقه‌حلقه می‌بریم و با کمی روغن زیتون یا هر روغن دیگری داخل فر می‌گذاریم. وقتی دو طرف آن سرخ شد، بیرون



می‌آوریم و با گردو، قارچ سرخ‌شده، پیازچه، سیر، گشنیز، نمک، فلفل و مایونز ترکیب می‌کنیم. این سالاد حکم غذا را دارد و مانند سالاد الویه است.

#### چشمن شب کریسمس

آناهید ست‌آقیان درباره جشن کریسمس و برخی غذاهای این شب‌ها گفته است: «آن شب حتما باید کباب و دلمه حاضر باشد.» ترکیبات دلمه با دلمه‌های شما متفاوت است. ما آن را با برگ مو، گوشت، سبزی، کمی برنج، ترش، تند و شور، بدون لپه و کشمش تهیه کرده و در آن، آلوچه سبز ترش می‌ریزیم یا به آن آبغوره اضافه می‌کنیم.

#### غذای پارینچ

غذای پارینچ نوعی برنج قهوه‌ای رنگ، سخت و بلندتر از برنج معمولی است که آن را آسیاب می‌کنیم؛ پلو و سوپ آن هم جداگانه تهیه می‌شود. برای پخت پلو پارینچ، آن را خیس می‌کنیم و گوشت را با قلم جدا می‌پزیم. بعد از حدود یک ساعت، آن را با پیاز تفت داده و سپس آب قلم و دارچین و کمی رب را به برنج اضافه و دم می‌کنیم. زمان غذاخوردن، گوشت را در آن خرد می‌کنیم.

#### غذای خوش مزه‌ای به نام ایگرا

برای تهیه ایگرا، پیاز، بادمجان، گوجه و فلفل دلمه‌ای را کباب کرده و به آن نمک و فلفل اضافه می‌کنیم. این مخلوط را تفت

می‌دهیم و کمی روغن می‌زنیم و با نان سرو می‌کنیم. در جشن‌های عروسی، نامزدی و تولد به‌عنوان کوکتل از مهمانان پذیرایی می‌شود.

#### قنادی شکرچیان و آختامار

از قدیم تا امروز قنادی شکرچیان در محله ما وجود داشت و بعدها قنادی آقاییک هم به آن اضافه شد که خیلی سال قبل از ازدواج من، فوت کرد. در آن زمان، او سالخورده بود و پسرش ساقدوش من بود. شاید ۵۰ سال پیش این قنادی در محل کنونی شیرینی‌فروشی آندلس قرار داشت؛ شیرینی آختامار هم از قدیم شیرینی‌های محلی می‌پخت و سال‌ها قدمت داشت. آن روزها شیرینی‌فروشی‌ها

بیشتر گاتا و نازوک درست می‌کردند؛ در حال حاضر نیز در قنادی‌ها این شیرینی‌ها تهیه می‌شوند. گاتاهای تهیه‌شده در قنادی‌ها با گاتاهایی که در سوپرمارکت‌ها می‌فروشند، خیلی متفاوت است.

#### شیرینی به نام یوخه

یوخه نیز از شیرینی‌های سنتی ما و شیرینی عید است. در گذشته، تعداد شیرینی‌فروشی‌ها محدود بود. یادم هست مادر بزرگم خمیر یوخه را درست می‌کرد و خانمی مسلمان به نام نازی خانم، روی ساج (نوعی تابه گرد) نان را به صورت نازک می‌پخت؛ سپس داخل آن گردو، دارچین و شکر می‌ریختند و به شکل لوله‌ای می‌پیچیدند تا یوخه درست کنند.



## تجربه، گام اول موفقیتیم بود

### گفت‌وگو با هیتوک موسسیان، کارآفرین محله جلفا

هیتوک موسسیان کنارکی، ۶۰ساله، از اهالی محله جلفاست که از ۱۳۵۹ در این محله ساکن شده و به مدت ۳۴ سال در حوزه پخش مواد پروتئینی فعالیت دارد. او در حال حاضر صاحب برندهای معتبری است و از ۱۳۸۲ به‌طور گسترده‌تری به این حرفه پرداخته و پخش مواد غذایی را برای فروشندهای کوچک‌تر برعهده گرفته است.

#### فعالیت در حوزه پخش مواد پروتئینی و غذایی

موسسیان درباره حوزه فعالیت‌هایش در شهر اصفهان به «هم‌محله» می‌گوید: «در حوزه پخش و خرده‌فروشی مواد پروتئینی به‌طور حرفه‌ای فعال هستیم. ما به‌صورت فعال در این زمینه مشغول به کاریم.» او تصریح می‌کند: «از ایام جوانی در کار پخش لوازم یدکی فعالیت می‌کردم. به مرور زمان به حوزه پخش مواد پروتئینی و غذایی ورود کردم. ارامنه بنیان‌گذاران تولید و پخش مواد پروتئینی، سوسیس و کالباس در ایران بودند و من نیز به دلیل علاقه به این کار و بنا به توصیه دوستان و آشنایان وارد این شغل شدم و آن را ادامه دادم.»

موسسیان ادامه می‌دهد: «در گذشته به‌صورت بسیار فعالیت می‌کردیم و بعد از مدتی با دایرکردن مکان‌های ثابت، به شکل پیشرفته‌تری در این حرفه مشغول هستیم. ما مسئول فروش مواد غذایی

موسسیان ادامه می‌دهد: «ما معمولاً با نظارت مدیر داخلی کارها را پیش می‌بریم. بررسی‌کردن روزانه موجودی‌های انبار وظیفه ما در حوزه پخش مواد غذایی و پروتئینی است تا کمبودی وجود نداشته باشد و بتوانیم نیازهای مغازه‌های اطراف را به‌موقع تأمین کنیم. با توجه به اینکه حدود ۹۰ درصد بارهای مواد پروتئینی و غذایی از تهران ارسال می‌شود، یکی از دغدغه‌های ما، تأمین بار انبار مواد غذایی برای ارسال به مشتریان بوده است. در طول این سال‌ها سعی کرده‌ایم این موضوع را به‌خوبی مدیریت کنیم.»

#### اهمیت برخورداری از مهارت‌ها برای یک کارآفرین حرفه‌ای

او در خصوص اهمیت مهارت‌ها برای کارآفرینان می‌گوید: «فرد باید به این حرفه ایمان و علاقه داشته باشد و مرتب با خود زمزمه کند که می‌تواند در این کار موفق شود. موفقیت هر فردی در هر رشته وابسته به علاقه و ایمان او به آن حرفه است. در مرحله بعدی، باید فرد سعی کند آموزش‌های لازم را کسب کرده و با رعایت همه جوانب، اقدام به کار کند. حرفه مواد غذایی و پروتئینی نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه است و باید فرد از فعالیت‌های کوچک شروع کند و در طول سال‌ها با کسب اعتبار و تجربه، به پیشرفت برسد و کارهای بزرگ‌تری انجام دهد؛ یعنی اولویت اول برای موفقیت در این حرفه، تجربه است.»



سال‌ها افراد زیادی این حرفه را آموخته‌اند و خود به‌صورت مجزا در حال فعالیت هستند؛ به نوعی در این حرفه کارآفرینی کرده‌ایم؛ یعنی افرادی هستند که خودروی یخچال‌دار دارند و هر روز صبح بار را از ما می‌خرند و به مغازه‌های مختلف می‌فروشند.»

#### دغدغه‌ها و سختی‌های فروش محصولات پروتئینی

او درباره دغدغه‌ها و چالش‌های این حرفه می‌گوید: «با توجه به اینکه بازار هدف ما فست‌فودی‌ها و پروتئینی‌ها هستند، تأمین جنس موردنیاز مشتریان از دغدغه‌های اصلی ماست. فرد در این شغل باید بتواند به‌خوبی و به‌موقع این نوع مواد غذایی را تأمین کند تا در این حرفه موفق عمل کند.»

پروتئینی و محصولات خاص هستیم که در جاهای دیگر نایاب است. با توجه به تجربه‌ای که در این حوزه کسب کردیم، معمولاً سفارش‌های خود را به شرکت می‌دهیم و هفته‌ای بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ رول خرید داریم و این مواد را در کل ایران پخش می‌کنیم. اکثر خریداران محصولات ما ثابت هستند و با توجه به سابقه و تجربه‌ای که داریم، آن‌ها از گذشته با ما همکاری دارند و هر روز خریداران جدیدی هم به جمع ما اضافه می‌شوند.»

موسسیان خاطرنشان می‌کند: «بسیار پیش آمده است که یک مجموعه جدید افتتاح شده و قصد خرید محصولات داریم و معمولاً خرید محصولات و مواد پروتئینی ما برای آن‌ها تأمین می‌شود. در حال حاضر، تأمین‌کننده مواد پروتئینی کوثرهای شهرداری اصفهان نیز هستیم. در طول این



اکرم کیانی



منیره فراهی

# خاطراتم با صیاد و حاج قاسم

گفت‌وگو با سرهنگ خلبان آرتیم ملیکان

او خلبان روزهای جنگ است؛ همان روزها که شجاعت، ایمان و عشق به وطن آسمان را خانه او کرده بود. او پرواز را رسالتی بزرگ می‌دید و این رسالت را با هنر و مهارت در مأموریت‌های موفق بسیار در دوران جنگ اثبات کرد، مأموریت‌هایی که آرامش را به آسمان کشورش آورد.

رشادت‌های او هیچ‌گاه از تاریخ این کشور پاک نخواهد شد. او بهترین سراسر خلبان است و توانسته بیش از هفت هزار ساعت پرواز را در کارنامه خود ثبت کند. سرهنگ آرتیم ملیکان، بعد از جنگ نیز رسالت خود را تمام‌شده ندید و به پرورش نیروهای زنده هوانیروز پرداخت و حتی در جنگ دوازده‌روزه بارها و بارها پیشنهاد داد که اگر کمکی از دستش برمی‌آید، آماده رفتن به میدان است. پای صحبت‌های او می‌نشینیم و شنونده خاطره‌های ارزشمندش می‌شویم.

## مادرم خانه‌دار و پدرم پرستار بود

خودش را از ارامنه جلفای اصفهان و متولد ۱۳۲۶ در خیابان خاقانی معرفی می‌کند و می‌گوید: مادرم خانه‌دار و پدرم پرستار بود. یک خواهر و یک برادر کوچکتر از

خودم دارم. تحصیلاتم را از کودکستان ارامنه آغاز کردم. ابتدایی و دبیرستان را تا کلاس دهم در مدارس ارامنه خواندم. چون ارامنه فقط تا کلاس دهم امکانات آموزشی جداگانه داشتند، دو سال آخر را در مدرسه دولتی گذراندم و دیپلمم را گرفتم.

## چهار سال در تیم فوتبال آارات جلفا بودم

بعد از گرفتن دیپلم یک سال بیکار بودم و به توصیه پدرم به دانشکده اصفهان به کلاس زبان رفتم؛ ولی آن رشته من را راضی نکرد و پایان سال، دیگر زبان را ادامه ندادم. فوتبال بازی می‌کردم و چهار سال در تیم آارات جلفا بودم.

## اولین نفر از جمع ۲۰ نفره‌مان بودم که خلبان یک شدم

به واسطه و پیشنهاد افسری که به مغازه یکی از اقوام منب‌کارمان می‌آمد، برای خلبان شدن به فرودگاه اصفهان رفتم و از آنجا به ستاد هوانیروز تهران. بعد از معاینات و آموزش‌های بسیار و گذراندن دوره‌های عملی، علمی و نظامی در ۱۳۴۸ به پایگاه قلعه مرغی رفتم و بعد از گذراندن دوره‌های دیگر به ایتالیا اعزام شدم؛ سپس به عنوان خلبان دو به اصفهان آمدم و پس از مدت کوتاهی خلبان یک شدم. من اولین کسی بودم که از جمع ۲۰ نفری

که با هم آموزش را شروع کردیم، خلبان یک شدم.

## خداوند دوقلوی پسر نصیب من و همسرم کرد

وقتی مرکز آموزش هوانیروز در اصفهان راه‌اندازی شد، به دانشجویان خلبانی آموزش می‌دادم. در هریک از دوره‌های فلات کاماندر هفت استاد آمریکایی و یک استاد ایرانی زیر دست من بودند. به عنوان اولین نفر در مأموریت ظفار (دماوند)، جنگ عمان با یمن در ظفار، انتخاب شدم. آن زمان همسرم باردار و پایه‌ماه بود. تا مدتی خانواده‌ام هیچ خبری از من نداشتند؛ تا اینکه تیمساری که برای بازدید آمده بود، از جریان باخبر شد و با بی‌سیم به اصفهان خبر داد تا همسرم به بیمارستانی در تهران منتقل شود. فردای آن روز به اصفهان آمدم. مستقیم به بیمارستان رفتم؛ چون کارها انجام شده بود، نیازی به جابه‌جایی او برای رفتن به تهران نبود. من سه روز برای زایمان همسرم اصفهان بودم و خدا دوقلوی پسر نصیب من و همسرم کرد.

## ماندم و مشغول آموزش نیروها شدم

در آن سال‌ها مأموریت‌های زیادی رفتم و تشویقی‌های بسیاری گرفتم. در دوران انقلاب ما همه داخل پایگاه بودیم. صبح که وارد پایگاه می‌شدیم، هیچ‌کس حق خروج نداشت. دستور تیمسار بود. روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ جشن گرفتیم. بالگردهای ۲۱۴ پرواز کردند و گل روی سر مردم ریختند. بعد از پیروزی انقلاب از محمود آذین، سرپرست مرکز، تقاضا کردم که نسخه خاتمه خدمتم را در هوانیروز بپیچد. فکر می‌کردم حضور یک ارمنی با آن‌ها جور نباشد؛ اما او به همه گفت؛ تنها کسی که توان اداره و راه‌اندازی این مرکز آموزشی را در ابعاد مختلف دارد، فقط و فقط ملیکان است. اگر او نبود، هیچ‌کس را نداریم که با پیشینه سراسرستانی بتواند دوره‌های آموزش خلبانی را راه‌اندازی کند. ماندم و مشغول آموزش نیروها شدم.

## چند روز قبل از شروع جنگ با شهید وطن‌پور رفتیم زردکوه

چند روز قبل از شروع جنگ تحمیلی شهید وطن‌پور که آن زمان معاون مرکز آموزش و پشتیبانی هوانیروز اصفهان بود از من خواست به زردکوه برویم. شنیده بود از سمت عراق با موشک، راکت و توپخانه داخل ایران را می‌زنند و چون زردکوه در مسیر است، به آن برخورد می‌کند. می‌خواست مطمئن شود و عکس بگیرد. گفتم من با همه نقاط کور زردکوه آشنایی دارم. به طرف آنجا رفتیم و

محل‌های برخورد را پیدا کردیم. بالگرد را در وضعیت مناسبی قرار دادم تا عکاس عکس بگیرد. شهید وطن‌پور خیلی خوشحال شده بود. من را بغل کرد، بوسید و گفت: بارک‌الله، کار بزرگی کردی، زدی توی هدف، درود به شرفت. بعد از ۱۰ روز مرا احضار کرد و گفت: فردا می‌رویم جنوب. فکر کنم خبرهایی است.

## شهید صیادشیرازی برای مأموریت انتخابم کرده بود

وارد فرودگاه اصفهان که شدیم، شهید وطن‌پور و شهید صیادشیرازی با چند افسر دیگر منتظر بودند. صیاد با من دست داد و گفت: من، شما را انتخاب کردم. وقتی برای شناسایی نقاط مرزی رفتیم، تانک‌های عراقی را دیدیم. در بندر ماهشهر فرود آمدیم. روز اول جنگ آنجا بودم. بالگردها یکی‌یکی مسلح آمدند. اتاق جنگ در آبادان تشکیل شد. مختصات را از ستاد جنگ به من می‌دادند؛ من هم چون شناخت کاملی از خلبان‌ها داشتم و همه‌شان زیر نظر خودم آموزش دیده بودند، هرکدام را برای هر مأموریتی مناسب بودند، می‌فرستادم.

## تمام عراقی‌ها را مجبور به عقب‌نشینی کردیم

اولین آشنایی من با نیروهای سپاه، عملیات خیبر بود. من در تمام حمله‌های اصلی ایران در هشت سال دفاع مقدس به عنوان افسر عملیات حضور داشتم. عملیات خیبر ۲۲ روز طول کشید و ما جزیره شمالی و جنوبی را تصرف کردیم. تعداد زیادی از بچه‌های سپاه آنجا شهید شدند و بالگرد شونک مرتب آن‌ها را به مجنون شمالی و جنوبی می‌آورد.

آبادان محاصره شده بود. تیپ ۲ قوچان از لشکر ۷۸ رسید به منطقه؛ ما هم پشت تیپ را گرفتیم و در عملیات ثامن‌الائمه تمام عراقی‌ها را مجبور به عقب‌نشینی کردیم.

## مردم دزفول امشب راحت می‌خوابند

ارتش عراق شهر دزفول را موشک می‌زد. از ستاد جنگ آبادان خواستند تا برویم محل پرتاب موشک را پیدا کنیم. خدارا شکر عملیات موفق بود. با شهید صیادشیرازی تماس گرفتم و گفتم: عقاب یک، ارمنی هستم. گفت: بگو ارمنی. گفتم: قربان، امشب مردم دزفول راحت می‌خوابند. دشمن جزغاله شد.

## نمی‌توانستم بگذارم خلبان ما را ببرند

عملیات بدر بود. یکی از هواپیماهای ما را زده بودند. یک فانتوم بود. فرمانده هوانیروز خیلی نگران خلبان و همراهش



بود. بعد از سلام و علیک به او گفتم که مجنون شمالی و جنوبی را گرفتیم. گفت: می دانم، هوانیروز خیلی زحمت کشید. وصف تو را هم شنیدم. می دانم که خیلی زحمت کشیدی و دو شب نخوابیدی. برای جلسه با صیاد رفت و من دیگر ندیدمش.

#### حاج قاسم پرچم حرم ابوالفضل (ع) را برایم فرستاد

جنگ که تمام شد، یک روز یکی از شاگردانم با من تماس گرفت و گفت: برایت یک هدیه دارم از عراق و حاج قاسم. پرچم بالای گنبد حضرت عباس (ع) را که تعویض کرده بودند، حاج قاسم آن را برای من گرفته و به او مأموریت داده بود: برای من بیاورد. حاج قاسم گفته بود: ایشان خیلی به حضرت عباس (ع) ایمان دارد. وصفش را درباره حضرت عباس (ع) شنیده ام.

من عقیده خاصی به حضرت عباس (ع) دارم. وقتی در پرواز، مشکلی برایم پیش می آمد، می گفتم یا حضرت عباس (ع)، یا عیسی بن مریم. حدود دو سال و نیم برای مداوای همسرم به ارمنستان رفتم؛ ولی پرچم را به هیچ کس ندادم. با خودم پرچم را می بردم و برمی گرداندم؛ هنوز هم آن پرچم را دارم. خیلی عجیب است. من روی آن گلاب نریختم؛ ولی بعد از چندین سال هنوز بوی گلاب می دهد. تا آخر زندگی آن را نگه می دارم.

کردم، دیدم برادر قاسم سلیمانی است که دارد دست تکان می دهد و فامیلیم را صدا می زند. هنوز فامیلی من یادش

داشتیم پشتیبانی را انجام می دادیم، دیدیم یک نفر نزدیک خاکریز من را صدا می زند. اول نشناختم. خوب که نگاه



بود. گفتم: آن ها احتمالا جکت کرده اند و با قایقی که پشت صندلی شان است، در هور افتاده اند. می توانم برای نجاتشان بروم. قبول نکرد. شهید صیاد شیرازی داشت نقشه را بررسی می کرد. نگاهی به من انداخت و با سر اشاره کرد که برای پیدا کردنشان بروم. با بچه ها راه افتادیم. آن ها را پیدا کردیم. هردو خیس شده بودند. در راه خبر موفقیت مأموریت را به عقاب یک دادم. گفت: درود به شرفتم. وقتی رسیدیم، خدا حفظش کند، حاج آقا محمدی گلپایگانی آنجا بود. گفت: صیاد یک لوح تقدیر بده به ملیکیان. با دست زد به سینه ام و گفت: آخرش کار خودت را کردی. گفتم: نمی توانستم بگذارم خلبان ما را ببرند.

#### گفتم: دفاع از مملکت، دین و مذهب نمی شناسد

اولین بار، با برادر خرازی در دارخوین آشنا شدم. فرمانده سپاه آنجا بود. یک بار جلوی چادر نشسته بودم که دیدم با یک نفر دیگر دارند می روند. چشمش که به من افتاد، صدایم کرد. آن شخص را معرفی کرد و گفت: ایشان برادر قاسم سلیمانی هستند. آن موقع شهید سلیمانی خیلی جوان بود. شهید خرازی به او گفت: ایشان مسیحی است و دارد برای مسلمین می جنگد. گفتم: از نظر من دفاع از مملکت، دین و مذهب نمی شناسد. تشویق کرد و رفت. در عملیات خیبر به عنوان افسر عملیات بودم. درحالی که

## زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان

### غوکاسیان، معاون اجرایی مؤسسه آموزشی آرامنه، از برخی آداب آرامنه می گوید



این بانوی ارمنی افزود: جشن مراسم تقدیس انگور نیز مصادف با بارداری حضرت مریم (س) و در مرداد است و انگور به عنوان نماد باروری و زندگی تقدیس داده می شود. در این روز در کلیسا دعاهایی برای برکت محصولات کشاورزی خوانده می شود. شایان ذکر است؛ همه مراسم مذهبی با برگزاری تمام آداب مخصوص به آن در کلیساهای موجود در محله جلفای اصفهان به قوت برگزار می شود. غوکاسیان در خصوص محله جلفا توضیح داد: این محله از دیرباز محل سکونت ارمنیان مقیم اصفهان بوده است و اکنون نیز همه ارمنی ها در همین محله ساکن هستند؛ جز یکی دو خانواده که در خیابان کاه و تعدادی هم در شاهین شهر زندگی می کنند.

او ادامه داد: به غیر از کلیسای وانک که دیر یا صومعه محسوب می شود، ما در محله جلفا ۱۳ کلیسای دیگر در کوچه های مختلف داریم، تا همه افراد بتوانند به راحتی برای انجام مراسم مذهبی به نزدیک ترین کلیسای محل زندگی خود بروند. این کلیساها زیر نظر خلیفه گری اداره می شوند. غوکاسیان در خصوص کتب درسی دانش آموزان ارمنی گفت: همه کتب درسی که ما در مدرسه برای دانش آموزان تدریس می کنیم، کاملاً مطابق با کتب آموزش و پرورش است و تنها کتاب تعلیمات دینی جداگانه و آموزش ادبیات زبان ارمنی را اضافه بر دانش آموزان مسلمان داریم.

دارند حضرت مسیح (ع) از خاک برمی خیزد و دوباره زنده می شود. معاون اجرایی مجتمع آموزشی آرمین اذعان داشت: در روز عید پاک، تخم مرغ آب پز که نمادی از زندگی است، در خانواده ها رنگ شده و بین بچه ها پخش می شود و مراسم مخصوص به خود را نیز در کلیسا دارد. ما ۴۰ روز مانده به عید پاک، در دین مسیحیت روزه داریم که افراد ۴۰ روز روزه می گیرند و نماز مخصوص دارند که در زمان طلوع آفتاب، ظهر و غروب در کلیسا برگزار می شود و افراد با شنیدن صدای ناقوس کلیسا متوجه می شوند زمان برگزاری مراسم فرارسیده است و اگر برایشان مقدور باشد، در مراسم شرکت می کنند.

#### اغلب آرامنه مقیم اصفهان در محله جلفا زندگی می کنند

مانیا غوکاسیان متولد ۱۳۶۹، فارغ التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر و معاون اجرایی مجتمع آموزشی آرمین در محله جلفای اصفهان است. او که در همین محله متولد شده و پرورش یافته است، به «هم محله» گفت: سالیان سال است که آرامنه زندگی مسالمت آمیزی در کنار مسلمانان داشته و تمامی اختیارات شهروندی را دارا هستند؛ به نحوی که به راحتی می توانند همه مراسم دینی و مذهبی خود را برگزار کنند و از زندگی آرامی برخوردار باشند.

#### شروع سال نوی میلادی مصادف با تولد حضرت مسیح (ع)

این بانوی جوان به زیبایی از مراسم مخصوص دین مسیحیت تعریف کرد و توضیح داد: اکنون در روزهای آغازین سال نوی میلادی که مصادف با میلاد حضرت مسیح (ع) است، به سر می بریم. یکی از اعیاد مهم دین مسیحیت، روز میلاد و غسل تعمید حضرت مسیح (ع)، در شروع سال جدید برگزار می شود. او ادامه داد: غسل تعمید حضرت مسیح (ع) در روز پنجم ژانویه است؛ البته کاتولیک ها آن را در تاریخ ۲۵ دسامبر جشن می گیرند؛ اما آرامنه ارتدکس مقیم ایران و سایر کشورها از عصر روز پنجم ژانویه در کلیسا مراسم مخصوص را دورهم به جا می آورند و زمانی که به خانه برمی گردند، با روشن کردن شمع و دورهمی های خانوادگی شام مخصوص شب عید را که معمولاً کشمش پلو با ماهی و کوکو

است، سرو می کنند و در کنار شمع روشن دعا می خوانند و فردا در روز ششم ژانویه برای انجام مراسم مذهبی شامل تقدیس دادن آب در کلیسا گرد هم جمع می شوند و بعد از مراسم عشاء ربانی آب مقدس بین مردم پخش می شود که هرکس مقداری از آن را با خود به خانه می برد.

#### روزه چهل روزه مسیحیان قبل از عید پاک

غوکاسیان در ادامه به سایر مراسم و اعیاد مذهبی مخصوص دین مسیحیت همچون عید پاک، مراسم آب پاشی و مراسم تقدیس انگور اشاره کرد و گفت: یکی دیگر از اعیاد مهم در دین ما، عید پاک است که سه روز بعد از تاریخ مصلوب شدن حضرت مسیح (ع) برگزار شده و شادی مردم از این روست که باور



مهناز احمدی



اکرم کیانی

# پژوهش در حوزه میراث قدیمی جلفا

گفت‌وگو با مقدی خدابخشیان، استاد دانشگاه محله جلفا

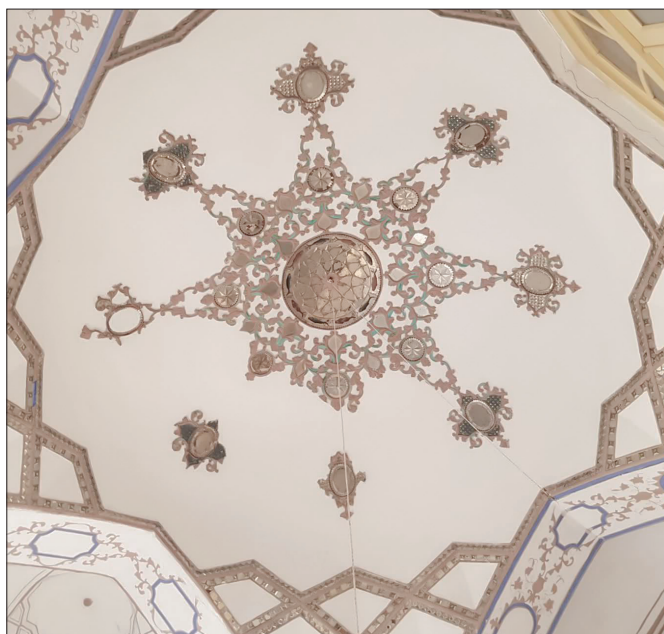
موجود در این محله در هیچ‌جای دنیا دیده نمی‌شوند و از افتخارات شهرمان اصفهان هستند. جلفا یکی از میراث‌های قدیمی، تاریخی و بومی‌مان است که در این زمینه پژوهش کردم و مقاله‌هایی نوشتم و در زمینه معماری پایدار نیز فعال هستم.»

او ادامه می‌دهد: «در ساخت مسکن همیشه دو بعد فرهنگ و اقلیم مهم‌ترین جنبه‌ها به‌شمار می‌روند. خانه‌های تاریخی ارامنه در اصفهان از افتخارات این شهر هستند و از نظر فرهنگی، بافت تاریخی ارامنه متفاوت و از نظر اصالت به قشر آریایی تعلق دارد. از لحاظ ساختاری، خانه‌ها با بخش‌هایی که بیشتر غیرارمنی هستند، تفاوت دارد؛ علاوه‌براین، چیدمان کلیساها و بافت فشرده‌ای که با خانه‌ها دارند، تفاوت‌های خاصی را در محله جلفا ایجاد می‌کند.»

خدابخشیان می‌افزاید: «اقلیم و منطقه تکنولوژی‌هایی را در این محدوده دیکته کرده که مختص منطقه بومی اصفهان است؛ به‌عنوان مثال، در گذشته، ارامنه در منطقه کوهستانی جلفای قدیم و ارمنستان قرار داشتند و توسط شاه‌عباس به منطقه‌ای کاملاً متفاوت کوچ داده شدند. در این منطقه مواد ساختمانی متداول و بومی محله، سنگ نیست و عمدتاً خاک وجود دارد که جزء ویژگی‌های یک منطقه کوهستانی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین در تکنولوژی ساختمان باید تفاوت‌هایی ایجاد شود؛ درحالی‌که باید فرهنگ پیشین ارامنه نیز حفظ شود. این تفاوت‌ها و تناقضات به‌وجودآورنده معماری‌های موجود در جلفا هستند که ما امروز شاهدشان هستیم.»

## لزوم داشتن حس پرسشگری برای دانشجویان معماری

این استاد دانشگاه خاطرنشان می‌کند: «دانشجویانی که وارد رشته معماری می‌شوند، باید حس پرسشگری را تا انتها ادامه دهند؛ یعنی علاوه‌بر دوران تحصیل، باید تا زمانی که در این رشته فعال هستند، همواره این حس پرسشگری را داشته و به‌دنبال پاسخ‌ها در این حوزه باشند. به نظر من، کسی در این رشته موفق می‌شود که با علاقه و پشتکار وارد آن شود و تمام تلاشش را بکند.»



تاریخی، معماری و هنری خانه‌های تاریخی ارامنه اصفهان می‌گوید: «خانه‌های تاریخی و ابنیه جلفا به دوران قاجاریه و صفوی مربوط می‌شوند و بخش چشمگیری از خانه‌های تاریخی باقی‌مانده در جلفا مربوط به دوران صفویه است. عمده تغییرات در آن به دوران قاجاریه مربوط می‌شود. فعالیت من در حوزه معماری خانه‌های تاریخی جلفا به دلیل بحث فرهنگی و علاقه‌ام به این محله است. در این مسیر، نه تنها به مطالعه خانه‌های تاریخی ارامنه، بلکه درباره کلیساها، مدارس، خانه‌ها، حمام‌ها و شهرسازی در محله جلفا مقاله‌هایی نوشته‌ام و در حال پژوهش هستم.»

## سبک‌وسایق محله جلفا

و خانه‌های تاریخی متفاوت است استاد دانشگاه معماری محله جلفا تأکید می‌کند: «سبک‌وسایق محله جلفا متفاوت است؛ به‌خاطر بعد فرهنگی خاصی که با سایر محله‌های اصفهان دارد. از سوی دیگر، بحث جغرافیایی و اقلیمی محله جلفا، نوعی معماری منحصربه‌فرد به‌وجودآورده که با فرهنگ متفاوتی همراه شده است. معماری‌های

مقدی خدابخشیان، متولد ۱۳۵۷، فارغ‌التحصیلی دکتری رشته معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان است. او از کودکی در محله جلفا بزرگ شده و نیاکانش همگی متعلق به این محله هستند که اصالت او به اهالی ارامنه محله جلفا اصفهان بازمی‌گردد.

## علاقه زیادی به تحصیل در رشته معماری داشتم

او درباره علاقه‌اش به تحصیل در رشته معماری می‌گوید: «در گذشته، رشته معماری یکی از رشته‌های بسیار دشوار برای ورود به دانشگاه بود. به دلیل علاقه زیادی که به این رشته داشتم و با تلاش زیاد، موفق شدم وارد دانشگاه شوم و مدرک دکتری خود را از دانشگاه علوم تحقیقات تهران اخذ کنم. پس از آن، به‌عنوان هیئت علمی مشغول فعالیت در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، یعنی دانشگاه محل تحصیلم شدم و به‌عنوان داور در پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری این حوزه با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارم.»

خدابخشیان تصریح می‌کند: «از کودکی به کارهای خلاقانه و نقاشی علاقه‌مند بودم و در این زمینه فعالیت‌هایی را انجام می‌دادم. در نوجوانی، در خانه فردی مهمان بودم و به‌صورت اتفاقی با یک معمار آشنا شدم. در آن زمان کارهای کامپیوتری باب نبود و معماران بیشتر با دست کار می‌کردند. در آن دوره به‌وضوح با این رشته آشنا شدم و دریافتم که این رشته همان چیزی است که به آن علاقه دارم. در مقطع راهنمایی به این نتیجه رسیدم که به رشته معماری علاقه‌مندم و از آن زمان تلاش کردم تا در کنکور قبول شوم؛ البته در رشته‌های دیگر دانشگاه دولتی اصفهان، مانند عمران نیز قبولی کسب کردم؛ اما به دلیل علاقه شدیدم به معماری، این رشته را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم.» این استاد دانشگاه درباره پژوهش‌ها و تألیف مقاله‌ها در زمینه معماری توضیح می‌دهد: «اعضای هیئت علمی دانشگاه باید همیشه به‌روز باشند؛ به همین دلیل نیاز به مطالعه، نوشتن مقاله و انجام کارهای پژوهشی مداوم دارند که در مجله‌های داخلی و خارجی، همایش‌ها و کنفرانس‌ها ارائه می‌دهند. فراتر از آن، اعضای هیئت علمی

باید به تألیف کتاب و طرح‌های پژوهشی نیز بپردازند و من تلاش کرده‌ام در این زمینه فعال باشم.»

## تألیف بیش از ۲۰ مقاله در رشته معماری

خدابخشیان فعالیت‌های اجرایی استادان را ضروری دانسته و ادامه می‌دهد: «یک استاد دانشگاه زمانی که می‌خواهد تدریس کند، نباید فقط مباحث تئوری را به دانشجویان ارائه دهد؛ بلکه باید به‌صورت عملی نیز آموزش دهد؛ برای مثال، وقتی می‌خواهم به دانشجویان طراحی یاد بدهم، باید بدانم که شرایط فعلی چگونه است و مقررات ملی کشور چه ایجاب می‌کند. رعایت این موارد برای یک استاد دانشگاه معماری الزامی است. تاکنون بیش از ۲۰ مقاله در این رشته نوشته‌ام و اگر ارائه پژوهش‌ها در کنفرانس‌ها و همایش‌ها را نیز در نظر بگیرم، تعداد مقاله‌هایم بیشتر می‌شود.»

## خانه‌های تاریخی و ابنیه جلفا مربوط به دوران قاجاریه و صفوی

او درباره پژوهش‌هایش در زمینه نوع بافت





مهناز احمدی

# هم زیستی عقاید مختلف در اصفهان

نوئل میناسیان از خلیفه‌گری ارامنه می‌گوید

## ارامنه دنیا دو پیشوای دینی دارند

میناسیان ارامنه کل دنیا را پیرو دو جاثلیق دانست که یکی از آن‌ها در حوزه سیلیسی لبنان و دیگری در شهر اجمیرین ارمنستان فعالیت می‌کنند و تمام ارامنه دنیا پیرو یکی از آن‌ها هستند. در این زمینه به لحاظ مذهبی هیچ تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد؛ اما از نظر سازمانی کمی فرق می‌کنند و ارامنه ایران تابع جاثلیق لبنان هستند. او با بیان اینکه جاثلیق بالاترین مرجع مذهبی کلیسای ارامنه و رهبر و پیشوای دینی است، تصریح کرد: جاثلیق توسط مجمع نمایندگان کشورهای مختلف انتخاب می‌شود و معمولا هر چهار سال یک بار همان جاثلیق قبلی دوباره رأی می‌گیرد. او سه بار شامل شورای خلیفه‌گری، هیئت مذهبی و هیئت بازرسان دارد که وظیفه این هیئت رسیدگی به عملکرد مالی بازوهای اجرایی است. رئیس مجمع نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران در خصوص پیشوای مذهبی گفت: پیشوای مذهبی از لبنان به اصفهان و سایر شهرها فرستاده می‌شود و چون خلیفه شدن شرایط سختی همچون تارک دنیا بودن و ازدواج نکردن و بچه دارنشدن دارد، معمولا تعداد خلیفه‌ها در دنیا زیاد نیست و این افراد باید سلسله مراتب دینی زیادی را پشت سر بگذارند.

## زندگی آرام اقلیت‌های دینی در اصفهان

میناسیان ضمن ابراز خرسندی از صمیمیت و وجود روابط حسنه بین ارامنه و مسلمانان گفت: در شهر اصفهان همه اقلیت‌های مذهبی به راحتی و با خوشی و صمیمیت در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند و در طول سالیان هرگز مشکلی میان افراد وجود نداشته است. این موضوع برای توریست‌هایی که به ایران می‌آیند، بسیار شگفت‌انگیز است و تقریبا در هیچ کجای دنیا چنین صمیمیت و نزدیکی میان اقوام مختلف با عقاید دینی متفاوت وجود ندارد که واقعا برای ما اصفهانی‌ها باعث افتخار است.



## فعالیت داوطلبانه و رایگان اعضای مجمع نمایندگان ارامنه

او افزود: در هیئت املاک پنج نفر، در هیئت مدارس پنج تا هفت نفر و در هیئت خیریه و بهزیستی نیز همین تعداد در حال فعالیت هستند. شایان ذکر است؛ هیچ‌یک از اعضا پولی برای خدماتی که انجام می‌دهند، دریافت نمی‌کنند و همگی به صورت داوطلبانه در حال خدمت هستند؛ هیئت مذهبی نیز به طور کامل خودجوش و مردمی به امور کلیساها و برگزاری مراسم و مناسک مذهبی رسیدگی می‌کند؛ به گونه‌ای که در حال حاضر ۱۳ کلیسا در محله جلفا به قوت و پویایی تمام، همه مراسم را در روزهای مخصوص برگزار می‌کنند. رئیس مجمع نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران در خصوص نحوه انتخاب اسقف گفت: هر چهار سال یکبار در مجمع نمایندگان، اسقف با رأی نمایندگان انتخاب می‌شود. سلسله مراتب به این گونه است که جاثلیق سه روحانی را به مجمع نمایندگان معرفی و پیشنهاد می‌کند و نمایندگان یک نفر را انتخاب می‌کنند.

و تجاری که ارامنه در آن‌ها ساکن هستند، وقف بوده و با پرداخت مبلغ بسیار ناچیزی به آن‌ها رهن یا اجاره داده شده است. آن‌ها می‌توانند هر چند سال که می‌خواهند، در این املاک زندگی کنند و تعدادی از املاک تجاری وقف وجود دارد که به غیر از ارامنه به یهودیان، زرتشتیان و مسلمانان نیز رهن و اجاره داده شده‌اند. درآمد حاصل از این املاک صرف امور خیریه و رفع مسائل و مشکلات ارامنه می‌شود. رئیس مجمع نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران تعداد املاک وقفی را حدود ۴۵۰ واحد مسکونی بیان کرد و افزود: تمام بودجه دولتی که خلیفه‌گری سالانه دریافت می‌کند، صرف نگهداری کلیساها و مکان ورزشی می‌شود؛ البته سازمان میراث‌فرهنگی تاکنون خدمات و همراهی بسیار شایسته‌ای برای حفظ، نگهداری و تعمیرات کلیساها داشته است. میناسیان با بیان اینکه کل مالکیت باشگاه ورزشی آرات مربوط به خلیفه‌گری است، اظهار کرد: باشگاه هر ساله مبلغ چشمگیری برای اداره امور خود از خلیفه‌گری دریافت می‌کند.

نوئل میناسیان، متولد ۱۳۴۰ در محله جلفای اصفهان، جامعه‌شناس و کارشناس‌ارشد علوم سیاسی، به عنوان رئیس مجمع نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران در خصوص ساختار خلیفه‌گری و چگونگی اداره آن به «هم‌محله» گفت: ارامنه ایران در کل کشور دارای سه خلیفه‌گری مجزا شامل خلیفه‌گری تهران و شمال ایران، خلیفه‌گری اصفهان و جنوب ایران و خلیفه‌گری کل آذربایجان هستند که هر یک مسئولیت انجام امور ارامنه در منطقه خود را بر عهده دارند.

## انتخاب اعضای مجمع نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه توسط مردم

او ادامه داد: خلیفه‌گری شامل ارکان تشکیلاتی مختلفی بوده که بالاترین مرتبه آن، مجمع نمایندگان است. اعضای این مجمع هر چهار سال یکبار به واسطه رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. مجمع نمایندگان اصفهان و جنوب ایران از نمایندگان شهرهایی تشکیل می‌شود که در حیطه فعالیت اصفهان و جنوب ایران، یعنی استان اصفهان، شاهین‌شهر، روستاهای فریدن، اهواز، شیراز و آبادان واقع شده‌اند و هر منطقه به نسبت جمعیت خود نماینده دارد. نمایندگان در جلسه مجمع نمایندگان، هیئت‌رئیس را برای مدت دو سال انتخاب می‌کنند که پس از دو سال می‌توانند دوباره تمدید شوند. رئیس مجمع نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران توضیح داد: هیئت‌رئیس از چهار نفر شامل رئیس، نایب‌رئیس، دبیر اول و دبیر دوم تشکیل شده است. میناسیان اظهار کرد: مجمع نمایندگان در دو حیطه اجرایی و غیراجرایی فعالیت می‌کند و در این میان شورای خلیفه‌گری به امور غیرمذهبی ارامنه مانند مسائل مدارس، املاک، بهزیستی و خیریه می‌پردازد.

## خدمات شایسته اداره میراث فرهنگی برای نگهداری کلیساها

او توضیح داد: دوسوم املاک مسکونی





زهره سادات طالقانی

# موزه‌ای که صدا دارد

موزه موسیقی، تاریخ موسیقی در جلفا را روایت می‌کند

اینجا صدا زودتر از تصویر به استقبال می‌آید. اینجا هر نغمه و ساز، روایتی جالب و خواندنی دارد و هر تالار، بخشی از حافظه شنیداری یک قوم کهن را بازگو می‌کند. هر قدم ورودی در این مکان تاریخی، قدم روی کلیکی است که تاریخ موسیقی را بیدار می‌کند؛ دکمه‌ها زیر پایت فشرده می‌شوند و به صدا درمی‌آیند و انسان بی‌آنکه بداند، خود نوازنده موسیقی می‌شود. صدایی دل‌نشین و آهنگین در فضا می‌پیچد؛ انگار خود این ساختمان به تو خوش‌آمد می‌گوید. در گفت‌وگو با آرلت هایراپطیان، مدیر موزه موسیقی ارامنه جلفای نو، به مسیری قدم می‌گذاریم که از صفویه آغاز می‌شود و تا امروز امتداد دارد؛ مسیری که موسیقی را از کلیسا به اجتماع می‌رساند.

پیانوی زمینی ورودی موزه موسیقی اصفهان، رفت‌وبرگشت پاها را به ملودی بدل می‌کند. هر مکث، یک فاصله موسیقایی است. هر قدم تند یا آهسته، تغییری ظریف در احساس. اینجا بازدیدکنندگان ناآگاهانه، باهم یک قطعه زنده پیانو می‌نوازند؛ بداهه، انسانی، تکرارناپذیر و وقتی از این پیانو عبور می‌کنی، فقط وارد ساختمان نشده‌ای؛ کمی نرم‌تر، کمی آرام‌تر و شاید کمی شاعرانه‌تر وارد تاریخ موسیقی ارامنه شده‌ای.

در همین حال وهواست که گفت‌وگو با آرلت هایراپطیان را آغاز می‌کنم. صدایش آرام است و شمرده؛ شبیه کسی که سال‌ها با صداها زندگی کرده و می‌داند هر واژه، مثل هر نت، باید در جای درستش بنشیند.

او می‌گوید: «موزه موسیقی اصفهان یکی از موزه‌های وابسته به کلیسای وانک و شورای خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران است. این موزه امروز به یکی از جاذبه‌های فرهنگی مهم شهر تبدیل شده و علاقه‌مندان تاریخ و هنر موسیقی را به خودش جذب می‌کند. ما اینجا مجموعه‌ای بی‌نظیر از سازها و ابزار موسیقی ایرانی و جهانی را گردآوری کرده‌ایم تا بازدیدکننده بتواند با تاریخ موسیقی ایران و جهان آشنا شود.»

«این بنا که امروز به‌عنوان گنجینه موسیقی ارمنیان شناخته می‌شود، در کوچه سنگ‌تراش‌ها قرار دارد. ساختمان در سال ۱۳۲۵ توسط یغی‌سابت آبراهامیان، به یاد



پاریس نگهداری می‌شوند. تازی که اینجا می‌بینید، با توجه به ویژگی‌های ساخت و صدادهی‌اش، هنوز هم یکی از معروف‌ترین و گران‌ترین تارهای دنیا است.

موسیقی فقط در ویتترین نمادند. دیوارهایی که روزی شاهد گریه کودکان بی‌سرپرست بودند، حالا میزبان صداهای هم‌خوانی و تمرین موسیقی هستند.»

## هر ساز، یک روایت؛ هر صدا، یک تاریخ

نگاهش را به تارها می‌دوزد؛ به سازهایی که پشت ویتترین‌ها ساکت‌اند؛ اما هر کدام تاریخی پرصدا و دل‌نشین در خود دارند. اینجا مجموعه‌ای کم‌نظیر از سازهای ایرانی و جهانی گردآوری شده؛ فرصتی برای آشنایی با مسیر پرپیچ‌وخم موسیقی در ایران و جهان.

هایراپطیان مکثی می‌کند؛ مکثی شبیه احترام؛ تاریخی و تار ملکم دانلییان و... این‌ها فقط تار نیستند؛ شناسنامه و آلات موسیقی تاریخی کهن و نام‌دارند.

یحیی، تخلص هنری هوانس آبکاریان تارساز معروف جلفایی است که در طول عمر حرفه‌ای خود، بیش از ۱۵۵ تار ساخت. فقط ۱۲ عدد از آن‌ها ثبت رسمی شده‌اند و امروز در موزه‌های معتبر جهان، از جمله موزه لوور

همسر متوفی‌اش آرام آبراهامیان، که از نیکوکاران معروف جلفای نو بود، خریداری شد. هدف از خرید این خانه، نگهداری از کودکان بی‌سرپرست جلفا بود.»

کمی مکث می‌کند، بعد ادامه می‌دهد: «از سال ۱۳۸۰، به دلیل اینکه دیگر کودکان بی‌سرپرست وجود نداشتند، ساختمان بلااستفاده ماند. به پیشنهاد شورای خلیفه‌گری ارامنه اصفهان، تصمیم گرفته شد که این فضا تغییر کاربری یابد و به آموزشگاه موسیقی تبدیل شود. هم‌زمان با برگزاری کلاس‌های آموزشی، گروه‌های کر ارامنه جلفای نو، یعنی گروه‌های "کمیتاس" و "داتو"، تمرین‌هایشان را در همین مکان آغاز کردند.» مدیر موزه موسیقی ارامنه جلفای نو اصفهان با بیان اینکه این مکان بیش از چهار سال است که به‌عنوان گنجینه (موزه) موسیقی جلفای اصفهان فعالیت دارد تأکید می‌کند: «این فضا هنوز هم زنده است؛ ساختمان همچنان کاربری قبلی خودش را حفظ کرده و برای تمرین گروه‌های کر و حمایت از گروه‌های هنری استفاده می‌شود. ما فضا را در اختیار هنرمندان می‌گذاریم تا

## از صفویه تا امروز؛ روایت یک تاریخ موسیقایی

در این موزه، تاریخ موسیقی ارامنه به صورت کامل روایت می‌شود؛ روایتی که از دوره صفویه آغاز می‌شود؛ زمانی که با کوچ ارامنه به جلفای نو، موسیقی کرال و ارکسترال وارد این جغرافیا شد و آرام‌آرام به دیگر شهرهای ایران گسترش یافت.

بازدیدکننده، قدم‌به‌قدم پیش می‌رود؛ از سالن نخست، با ابزار تولید صوت در آیین‌های کلیسایی آشنا می‌شود؛ بعد به سازها می‌رسد و در سالن پایانی، شکل‌گیری گروه‌های کر و ارکسترهای حرفه‌ای را می‌بیند.

موسیقی، کم‌کم از فضای صرفاً کلیسایی خارج می‌شود و به اجتماع راه پیدا می‌کند. همگام با تحولات جهانی پیش می‌رود و





با قلم الماس روی آن نوشته شده؛ کاری از واهرام هاکوپیان در سال ۱۹۷۴. این اثر به وسیله میکروسکوپ قابل مشاهده است. بخش نسخ خطی موزه کلیسای وانک، حدود ۴۰ جلد کتاب نفیس را در خود جای داده است؛ تورات، انجیل، قرآن. برخی با مینیاتورها و تذهیب‌هایی از بهترین نقاشان ارمنی، قدیمی‌ترینشان، انجیل قرن دهم میلادی است، نوشته شده بر پوست.

او با تأکید می‌گوید: «از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی موجود در این بخش می‌توان به یک کتاب متعلق به قرن دهم میلادی که بر روی پوست نوشته شده است اشاره کرد. اثر جالب بعدی کتاب قرآنی خطی است که به زبان ارمنی ترجمه شده و ما از نظر مجموعه نسخ خطی، مقام چهارم را در دنیا داریم.» در موزه خاچاتور گساراتسی، کتابی هست که چشم‌ها را شگفت‌زده می‌کند: کوچک‌ترین کتاب دعایی جهان، فقط ۷ گرم وزن دارد، چاپی است نه دست‌نویس و دعایی ربانی را در ۱۴ صفحه و به هفت زبان در خود جای داده. اینکه دستگاه چاپی حدوداً در قرن هجدهم توانسته چنین ظرافتی را ایجاد کند، هنوز هم شگفت‌انگیز است.

تابلوهای نقاشی این موزه نیز مجموعه‌ای ارزنده از آثار هنری نقاشان ارمنی و دیگر کشورهاست. بیشتر این تابلوها که بر روی کرباس، پوست، چرم، فلز و شیشه کشیده شده‌اند، دارای موضوع‌های مذهبی مانند میلاد عیسی مسیح، وقایع زندگی ایشان و حواریون ایشان، تمثال حضرت مریم و... هستند. در کنار این تابلوها، تصاویری نیز از رجال ایرانی و چهره‌های معروف ارمنی با لباس‌های مخصوص ارمنیان جلغا دیده می‌شود.

#### موزه مردم‌شناسی کلیسای وانک

موزه مردم‌شناسی کلیسای وانک، از اشیای مذهبی و پوشاک کشیشان گرفته تا اسناد مردم‌شناسی، شناسنامه‌ها، عکس‌های خانوادگی و نامه‌ها تشکیل شده است که فقط تاریخ ارمنه نیست؛ بلکه بخشی از تاریخ اجتماعی ایران است.

هایرپطیان در پایان با لحنی آرام می‌گوید: «ما اینجا فقط سازها و کتاب‌های تاریخی را به نمایش نمی‌گذاریم. اینجا تاریخ روایت می‌شود؛ روایت زندگی، ایمان، مهاجرت و مشارکت.»

وقتی از موزه بیرون می‌آیی، سازها هنوز در گوشت می‌نوازند. شاید زمین زیر پایت دیگر پیانو نباشد؛ اما چیزی در درونت همچنان آهسته و دل آرام در حال نواختن است.



گساراتسی در محوطه کلیسای وانک قرار دارد و قدمتش بیش از صد سال است و آثار تاریخی بسیار ارزشمندی در آن نگهداری می‌شود؛ از جمله سومین دستگاه چاپ موجود در ایران و تار مویی که متنی روی آن نوشته شده و فقط با تلسکوپ یا میکروسکوپ قابل خواندن است.» او به ورودی موزه اشاره می‌کند: «دو تندیس در ورودی قرار دارد؛ یکی مسروب ماشتوتس، مخترع الفبای ارمنی در قرن پنجم سال ۴۰۶ میلادی و دیگری خاچاتور گساراتسی، مؤسس چاپخانه کلیسای وانک در اوایل قرن هفدهم.» یکی از شگفت‌انگیزترین آثار این موزه، تار مویی است متعلق به دختری هجده‌ساله که جمله‌ای از عهد عتیق به زبان ارمنی،

اولین پیانوی زمینی ایران اینجا در ورودی موزه موسیقی ارمنه جلغای نو نصب شده است که با هر قدم روی کلیدهای صدایی تولید می‌شود و در نهایت قطعه‌ای زیبا نواخته می‌شود.

مدیر موزه موسیقی ارمنه جلغای نو اصفهان با لبخند می‌گوید: «این پیانو با استقبال بسیار خوب بازدیدکننده‌ها روبرو شده، اوایل این پیانوی زمینی فقط به تفریح‌های رنگ روشن واکنش داشت؛ اما حالا با اعمال تغییراتی به همه رنگ‌های ته‌کفش‌ها پاسخ موسیقایی می‌دهد.»

#### موزه خاچاتور گساراتسی کلیسای وانک

هایرپطیان ادامه می‌دهد: «موزه خاچاتور

هر تغییری که در موسیقی دنیا رخ می‌دهد، با فاصله‌ای کوتاه، در اجتماعات ارمنه اصفهان شنیده می‌شود. او می‌گوید: «حقیقت این است که موسیقی فولکلور تا پیش از ورود ارمنه خیلی شناخته شده نبود؛ در حالی که قوم ارمنه حتی قبل از میلاد مسیح سازهایی مثل بریت، دودوک و عود را داشتند که سازهایی با ریشه‌ای عمیق در فرهنگ ارمنستان است.» مدیر موزه موسیقی ارمنه جلغای نو تاریخ را جلوتر می‌آورد: «در زمان خسرو پرویز، ارمنه‌ای را داریم که پایه‌گذار موسیقی نظامی آن دوره بودند؛ موسیقی خسروانی از همین نوع است. در دوره قاجار هم سوقومون سیمونیان معروف به سلیمان خان، ارکستر نظامی را تأسیس و رهبری کرد.»

هایرپطیان وقتی به سازها می‌رسد، صدایش ناخودآگاه گرم‌تر می‌شود: «اینجا ساز یحیی را داریم؛ سازی باشه‌ت جهانی. البته فقط یحیی نیست، سازهای بسیار ارزشمند دیگری هم گردآوری شده‌اند که شهرت، ارزش تاریخی و هنری‌شان نیز کمتر از ساز یحیی نیست.» لبخند کوچکی می‌زند و می‌گوید: «داستان‌های اساطیری و داستان‌های عامه ارمنه توسط نوازنده‌های دوره‌گرد منتقل می‌شد و موسیقی، روایت‌گر بود و ما در این موزه، همه این ویژگی‌های تاریخی را قدم‌به‌قدم با آثار و ابزار موسیقی نشان داده‌ایم و در این موزه همه این مسیر تاریخی، با آثار و ابزار، قدم‌به‌قدم روایت می‌شود.»

#### پیانویی که با همه رنگ‌ها می‌نوازد





مثیره فهامی

# شهیدی که دوبار به خاک سپرده شد

## آسانت هاکویپان از برادر شهیدش «هراچ» می‌گوید

آخرین باری که به مرخصی آمده بود، برای کارت پایان خدمتش عکس گرفت. هراچ به جبهه برگشت تا کارت پایان خدمتش را بگیرد و پیش ما برگردد؛ اما هیچ وقت برگشت. وقتی برای گرفتن کارتش می‌رود، عملیات شروع می‌شود. او هم در عملیات شرکت می‌کند. عملیات در منطقه باباهادی در شمال شرقی قصر شیرین بوده و با موفقیت انجام می‌شود. رزمندگان به منطقه خودشان بر می‌گردند؛ ولی هراچ متوجه می‌شود که یکی از دوستانش به نام هنریک درآوانسیان بر نگشته است. وقتی سراغش را می‌گیرد می‌فهمد که زخمی شده و چون امکان آوردنش به عقب نبوده، در خط مقدم مانده است.

### اگر نروم نمی‌توانم جواب مادر هنریک را بدهم

برادرم برای کمک به هنریک می‌رود، هر چه به او می‌گویند نرو و اگر بروی زنده بر نمی‌گردد، قبول نمی‌کند و می‌گوید باید بروم؛ اگر نروم نمی‌توانم جواب مادر هنریک را بدهم. بعد از بحث و گفت‌وگو فراوان با فرماندهان و رزمندگان به خط مقدم برمی‌گردم؛ رفتنی که دیگر برگشتی در آن نبود و ۳۳ سال چشم‌انتظاری را به دنبال داشت. هراچ در حالی که ۲۲ سال بیشتر نداشت در ۲۰ فروردین سال ۱۳۶۶ در عملیات کربلای ۹ مفقودالایر شد. در این ۳۳ سال پدر و مادرم هیچ وقت آرامش نداشتند و منتظر خبری از هراچ بودند. سؤال همیشه‌اش این بود که او زنده است یا شهید شده؟ تا اینکه صبح روز یکشنبه ۲۹ شهریور سال ۱۳۹۹ بود. سردار سید محمد باقرزاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح خبر پایان انتظار را به خانواده داد.

### پایان ۳۳ سال چشم‌انتظاری

بالاخره ۳۳ سال چشم‌انتظاری پدر و مادرم به پایان رسید. او سال ۹۲ پیدا شده بود؛ اما به عنوان شهید گمنام در دانشگاه آزاد زاهدان در کنار یک شهید گمنام دیگر به خاک سپرده شده بود. بعد از تطابق دادن دی ان ای، هویت او معلوم شد و در سال ۹۹ بعد از ۳۳ سال چشم‌انتظاری با درخواست خانواده و اسقف ارامنه به دفن پیکر برادرم در قبرستان ارامنه، پیکرش را به اصفهان منتقل کردند و در گلزار شهدای ارامنه به خاک سپرده شد.



درددل می‌کرد. با اینکه کوچک‌تر بود؛ ولی همیشه ما را نصیحت می‌کرد. او ۲۳ ماه در جبهه‌های جنگ بود. هر وقت می‌آمد مرخصی تک‌تک به همه فامیل سر می‌زد.

### هیچ وقت از ناراحتی و مشکلاتش نمی‌گفت

پدرم هر وقت به هراچ می‌گفت دوست داری بیایی پشت جبهه و آنجا خدمت کنی، او مخالفت می‌کرد و می‌گفت: «من جایم خوب است و با دوستانم جای خوبی هستم و رفیق‌های خوبی هم دارم؛ ولی بعد فهمیدیم خیلی هم جایم امن نبود. به خاطر اینکه ما نگران نشویم اینطور صحبت می‌کرد. یک بار پشت جبهه پایش سوخته بود. وقتی آمد مرخصی، به پایش نایلون پیچیده بود. وقتی نایلون را باز کرد تا پانسمانش را عوض کند، تازه فهمیدیم چقدر شرایطشان سخت است؛ ولی او به هیچ‌کس هیچ چیزی درباره این قضیه نمی‌گفت. می‌گفت اشکالی ندارد؛ آنجا این اتفاقات پیش می‌آید. او خیلی صبور بود. هیچ وقت ناراحتی و مشکلاتش را بروز نمی‌داد و از سختی‌ها و مشکلات آنجا چیزی نمی‌گفت.

### رفت کارت پایان خدمتش را بگیرد؛ اما دیگر برگشت

همیشه من و خانواده‌اش را دوست داشت و به همسایه‌ها و فامیل‌ها احترام می‌گذاشت.

### زندگی با او بسیار شیرین می‌گذشت

هراچ بسیار مهربان، خوش اخلاق و باغیرت بود. برایش فرقی نمی‌کرد فامیل باشد و یا همسایه؛ با همه مهربان بود. دوست داشت همیشه دور و برش شلوغ باشد. یا در جمع دوستان بود و یا در جمع فامیل. هراچ همیشه در کارها به مادر و پدرم کمک می‌کرد و تا زمانی که با ما بود زندگی برای ما بسیار شیرین می‌گذشت.

او پسری باغیرت بود و با جان و دل برای رفتن به خدمت سربازی و جنگ ثبت‌نام کرد. وقت سربازی‌اش که شد برای آموزش به کرمان رفت و بعد از دوره آموزشی با لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به خط مقدم جبهه رفت. ۱۸ سالش بود که به سربازی رفت. وقتی رفت سربازی از آنجا برای همه نامه می‌نوشت. از وقتی رفته بود اخلاقی به‌طور خاصی تغییر کرد و محبتش به خانواده صبرابر شده بود. در تمام نامه‌هایش از مهر و محبت صحبت می‌کرد. به پدر و مادرم می‌گفت، از خودتان مواظبت کنید. به من هم همیشه توصیه می‌کرد که همیشه شاد باشم و می‌نوشت که مواظب خودم باشم. من و او علاقه خاصی به هم داشتیم. هراچ همیشه با من و برادرهایش

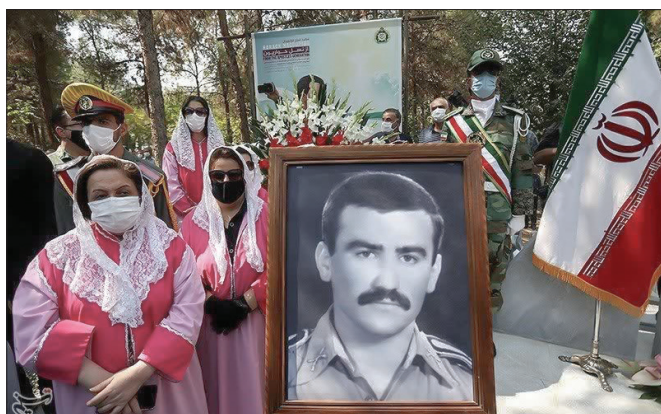
در تاریخ این سرزمین، ایران تنها یک جغرافیا نیست؛ روایت همدلی مردمانی است که در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، از نام، نشان و تفاوت‌ها عبور کردند و برای «ایران» ایستادند. هنگامی که آتش جنگ تحمیلی شعله کشید، فرزندان این خاک، فارغ از قومیت و مذهب، دوشادوش هم به میدان آمدند تا از ناموس، شرف و استقلال وطن دفاع کنند. در این میان، جوانان ارمنی نیز با ایمانی ریشه‌دار به ایران، حضوری پررنگ و افتخارآفرین در دفاع مقدس داشتند؛ حضوری که نامشان را برای همیشه در حافظه این ملت ثبت کرد. شهید هراچ هاکویپان، فرزند محله تاریخی جلفای اصفهان، یکی از همین ستارگان خاموش‌نشدنی است؛ دلاورمردی که هجرتش با شهادت پایان نیافت و سال‌ها بعد، پس از تفحص، بار دیگر با گمنامی به شهری دیگر کوچ کرد تا معنای ایثار را عمیق‌تر از همیشه روایت کند. اکنون در این گفت‌وگو، پای سخنان خواهرش، آسانت هاکویپان می‌نشینیم؛ خواهر آن شهیدی که قصه زندگی‌اش، قصه عشق به ایران، صبر یک خانواده‌ای ارمنی و افتخار یک ملت است.

### مشغول به کار جوشکاری شد

برادرم ۲۰ تیرماه سال ۱۳۴۴ به دنیا آمد. سه مقطع پیش‌دبستانی، ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه ارامنه کاتانیا خواند. معلمش می‌گفت که هراچ پسری است که اگر ریگی به دریا بیندازند، آن را برایتان می‌آورد. او هر کاری که می‌خواست، با پیگیری و تلاش انجامش می‌داد. او تا سوم راهنمایی بیشتر ادامه نداد و به خاطر علاقه‌اش به کار جوشکاری به این کار مشغول شد. برادرم عاشق فوتبال و عضو تیم سوان بود. همیشه با دوستانش در زمین سوان فوتبال بازی می‌کرد. با اینکه این زمین کیفیت نداشت؛ اما همیشه محل تمرین و ورزش حرفه‌ای تیم ارامنه بود. برادرم آنقدر حرفه‌ای بازی می‌کرد که هنوز هم دوستان قدیمی‌اش از حرفه‌ای بودنش صحبت می‌کنند.

### رفتارش مردانه بود و تکیه‌گاهی برای من

هراچ بسیار شاد و پرشور بود. او مانند معنای نامش چشم‌های آتشی داشت. او مهربان‌ترین برادرم بود. دوسه سال از او بزرگ‌تر بودم. با اینکه از من کوچک‌تر بود؛ ولی همیشه رفتاری مردانه داشت و می‌توانستم به او تکیه کنم. هر وقت از چیزی ناراحت بودم، هراچ به من دلداری می‌داد.





زهره سادات طالقانی

# موسیقی ارمنی به قدمت زندگی دو ملت

گفت‌وگو با هامیک الکساندریان، رهبر گروه کر داتو جلفای نو



موسیقی ارمنی برخاسته از دل دو ملت کهن و متمدن ایران و ارمنستان، چنان تأثیرات شگرفی برهم گذاشته که نشانه‌هایی از ذهن مهربان هر دو ملت دارد. هامیک الکساندریان در سال ۱۳۵۰ در خانواده‌ای هنردوست و فرهنگی، در جلفای اصفهان متولد شد و اکنون به‌عنوان مدرس در مراکز آموزشی فعالیت دارد. از سنین کودکی با استعداد ذاتی خویش و با نوازندگی پیانو، پا به عرصه دنیای موسیقی نهاد. الکساندریان در ابتدا خودش را این‌طور معرفی کرد: «دوره مقدماتی نوازندگی پیانو را نزد خانم دینا غازاریان و آقای آریس نادیریان گذراندم و پس از خدمت سربازی در سال ۱۳۷۱ برای ادامه تحصیل به کشور ارمنستان رفتم و در کنسرواتوار «کمیتاس» ایروان در رشته رهبری کر و ارکستر سمفونیک مشغول به تحصیل شدم. اصولاً انسان آرام و درون‌گرا و خانواده‌دوست هستم و از دروغ و پیچاندن دیگران متنفرم. در سال ۱۳۸۰ موفق به دریافت مدرک فوق‌لیسانس در دو رشته رهبری گروه کر و رهبری اپرا و ارکستر سمفونیک شدم و علاوه بر رشته‌های مذکور به فراگیری تخصصی پیانو، وکال و آهنگ‌سازی پرداختم. در سال ۱۳۸۵ به‌منظور ارتقای سطح هنری و دانش خویش عازم فرانسه شده و در اکول نرمال موسیقی پاریس، دوره یک‌ساله‌ای را در رشته رهبری ارکستر سمفونیک، در کلاس پروفسور دومینیک رویتر گذراندم. در سال ۱۳۷۸ و هم‌زمان با تحصیل در ارمنستان به حمایت خلیفه‌گری کلیسای وانک جلفای اصفهان، گروه کر «داتو» را پایه‌گذاری کردم و تا به امروز این گروه مشغول به فعالیت است. این استاد موسیقی همچنین در سال‌های اخیر در هنرستان موسیقی هنرهای زیبا و دانشگاه علمی‌کاربردی اصفهان به‌عنوان استاد پیانو و سلفژ تدریس کرده است. او هر ساله کنسرت‌های متعددی از جمله کنسرت‌های کلاسیک تک‌نوازی پیانو، دوئت‌های پیانویولین و وکال، کنسرت‌هایی با گروه کر و کنسرتی از آثار شخصی خویش به همراه ارکستر پاپ اجرا کرده است.

حس می‌کنم و پس از نوشتن و ضبط کردن، یک قطعه جدید ملودی متولد می‌شود. او درخصوص نقش سکوت در موسیقی و ملودی معتقد است، سکوت جزئی از موسیقی است و یک بازیگر مهم در یک ملودی است. من چیزی که از دل و ذهن من برمی‌آید، آن را می‌نویسم و سپس با تمرین و بازسازی آن را می‌نوازم و ماندگار می‌کنم. این موسیقی‌دان ادامه داد: موسیقی خاطره‌ها که اولین آلبوم صوتی من است، به پدر و مادرم تقدیم کردم. دومین آلبوم را به همسر و سومین آلبوم را به اساتید و معلمان خود و چهارمین آلبوم خود را به فرزندانم تقدیم کرده‌ام. او بیان کرد: کاملاً با موسیقی زندگی می‌کنم و حتی یک لحظه هم نمی‌توانم از موسیقی جدا شوم. اگر دوباره از نو شروع کنم، همین مسیر موسیقایی را انتخاب می‌کنم. همسرم از ابتدا از اعضای گروه کر بنده بودند و همان‌جا با هم آشنا شدیم و سپس ازدواج کردیم. الان هم پس از سال‌ها زندگی هنوز هم ایشان در گروه کر همراه من فعالیت دارد.

## آهنگ‌های کلیسایی یا شارگان

او در ادامه با اشاره به اینکه نغمه‌های متفاوتی برای آیین‌های مختلف در قوم ارمنه وجود دارد، گفت: هر یکشنبه صبح، در آیین اشراق ربانی، موسیقی مذهبی استفاده می‌شود. ارمنه همه دوست‌دار موسیقی هستند؛ ولی به‌صورت حرفه‌ای و تخصصی نسل نو کمتر به سمت فراگیری موسیقی گرایش دارد. الکساندریان با اشاره به برگزاری کنسرت‌های متعدد در سال‌های گذشته، افزود: مهم‌ترین چالش کنونی برگزاری کنسرت در سطح وسیع، محدودیت‌های فضا و هزینه برگزاری آن است تا مخاطبان بیشتری بتوانند شرکت کنند. بیش از ده سال است که روی موسیقی بدون کلام کار می‌کنم. موسیقی را که همه می‌شناسند نمی‌نوازم؛ بلکه موسیقی را که خودم ساختم‌ام و عامیانه نیست و از دلم برآمده است می‌نوازم. چون برآمده از دل است به‌احتمال زیاد بر دل مخاطب هم خواهد نشست.

تأثیر و پیوندها را به یاد می‌آورد. باید بگویم این نسیم مهربان دوستی است که بر کتاب گل‌گندم وزیده و چنین مجموعه‌ای را رقم زده است. امید است که این طراوت سبز که از رود پرخروش موسیقی برخاسته، بر دل‌های هر دو ملت بنشیند و صلح و دوستی را زنده‌تر کند. این موسیقی‌دان افزود: کتاب «بهار دل‌نشین»، مجموعه‌ای است بسیار زیبا و گوش‌نواز از دونوازی و هم‌نوازی‌هایی برگرفته از ترانه‌های پاپ ایرانی که برای سازهایی چون ویولن و فلوت (+آکورد‌های گیتار و کیبورد) باهمراهی پیانو تهیه و تنظیم شده است. هدف من از خلق چنین کتاب‌هایی، تشویق هنرجویان برای ادامه دادن تمرینات نوازندگی به‌واسطه ملودی‌های ساده اما جذاب و گوش‌نواز و هم‌زمان ارتقای سطح نوازندگی آن‌هاست.

## تولد یک قطعه جدید ملودی با الهام از درون

الکساندریان که تجربه زیادی در حوزه موسیقی و گروه کر دارد، درخصوص این گروه اظهار کرد: گروه کر شامل چهار صدای مختلف است که با هماهنگی و آموزش و رهبری گروه کر به‌صورت همگون و هم‌شکل درمی‌آید. آهنگ‌هایی را که از آهنگ‌سازهای دیگر گرفته‌ام برای پیانو تنظیم کرده‌ام. سایر آهنگ‌هایی که با پیانو می‌نوازم، به‌صورت ذهنی این ملودی را

ایران و ارمنستان و بازتابی است از شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در موسیقی محلی این دو ملت. الکساندریان ادامه داد: بسیار خرسند و مفتخرم که به‌عنوان یک جلفایی اصیل (جلفای نو- اصفهان)، برای اولین بار، در این مجموعه توانستم به ترانه قدیمی جلفایی «یالالی» جان دوباره ببخشم و ملودی به فراموشی سپرده‌شده آن را جاودانه سازم. ترانه «یالالی» که یکی از ترانه‌های خاص و بسیار زیبای محلی ارمنه جلفای نو با لهجه اصیل جلفایی است، یادآور روزهای شاد و باشکوه تشریفات عروسی دوشیزگان جلفا و در وصف زیبایی و بدرقه آن‌ها به خانه بخت است. کتاب «گل‌گندم» را با زبان موسیقی به مردم نجیب ایران و ارمنستان تقدیم کردم تا در سایه‌سار هنر، دوستی‌ها جان تازه‌تری بگیرد و این پیوند عمق بیشتر خود را بشناسد؛ چراکه موسیقی برخاسته از دل دو کشور، چنان تأثیرات شگرفی برهم گذاشته که نشانه‌هایی از ذهن مهربان هر دو دارد.

او با اشاره به اینکه کتاب «گل‌گندم» به پاس سبزیبودن این مهر و مهربانی میان مردمان دو سرزمین، با قلم هنر موسیقی به رشته تحریر درآورده شده است، گفت: هنر موسیقی، قلمی است که نیاز به ترجمه ندارد و احساس را در دل‌ها زنده می‌کند و یادآور خاطرات باشکوه از کران تا کران هر دو سرزمین است و در جاهایی

## آثار هنری هامیک الکساندریان

هامیک در کارنامه هنری خویش علاوه بر اجراهای زنده، مجموعه‌آثاری به شرح زیر منتشر کرده است:  
- لوح فشرده‌ای از آثار آهنگ‌ساز نامی ایرانی-ارمنی «نیگل گالاترین» به همراه گروه کر «داتو»؛  
- تألیف و تنظیم کتاب «آسمان آبی»، مجموعه‌ای از ترانه‌های پاپ ایرانی برای پیانو؛  
- انتشار آلبوم «رقص پروانه‌ها» برای پیانو. آلبوم «زمزمه گل‌ها» دومین مجموعه از آثار شخصی او برای پیانو است؛  
- تألیف مجموعه کتاب «پرواز با پیانو» در ۳ جلد، هر جلد شامل ۲۰ قطعه کوتاه پیانو برای کودکان و نوجوانان؛  
- کتاب گل‌گندم مجموعه‌ای است بسیار زیبا و گلچینی از ۶۰ آهنگ که ۳۰ ترانه آن از ترانه‌های محلی ایرانی و ۳۰ ترانه دیگر از ترانه‌های محلی ارمنی است. این مجموعه سبیلی است از قدمت همسایگی و فرهنگ دو ملت کهن و متمدن





زهرا سادات کاظمی

# جلفا و ترافیک کلافه کنند هاش!

## ترافیک و پارک خودروهای عبوری در کوچه‌ها؛ مهم‌ترین چالش ساکنان محله جلفاست

از ساکنان را کلافه کرده است که می‌طلبد شهرداری نسبت به احداث پارکینگ مناسب و با ظرفیت بالا در این منطقه اقدام کند. با آنکه محله جلفا از مکان تاریخی بسیاری برخوردار است؛ اما برای بازدیدکنندگان، تابلوهای راهنمای معرفی اماکن وجود ندارد و بازدیدکنندگان نمی‌توانند به خوبی با آثار و اسامی محله ارتباط بگیرند.

به نظر می‌رسد باید شهرداری در این حوزه، فعالیت بهتر و مؤثرتری داشته باشد و با نصب تابلوهای معرفی اماکن و اسامی در شناساندن ظرفیت‌ها و موقعیت محله جلفا به بازدیدکنندگان و گردشگران کمک بیشتری بکند.

کمبود فضای سبز، مراکز ورزشی مناسب و حتی امکانات شهری، برای اقشار مختلف در محله به خوبی مشخص است و یکی از کمبودهای اصلی محله جلفاست. کوچه‌ها و معابر کم‌عرض و گاهی نقاط کور در محله، یکی از عوامل تشدیدکننده مشکلات رفت‌وآمد در این محله است.

اقدامات ترافیکی و اعمال طرح‌هایی که بتواند ترافیک و ازدحام این محله را بکاهد، یکی از درخواست‌های شهروندان ساکن در این محله است. محله جلفا در میان بافتی تاریخی و تجاری، محاصره و به طور منطقی با رفت‌وآمد بسیاری مواجه است؛ اما این مسئله نباید آسایش شهروندان ساکن در این منطقه را سلب کند و شهروندان آرامنه، باید بتوانند با آسودگی بیشتری در این محله زندگی کنند و زمان کمتری برای رفت‌وآمد عادی‌شان تلف شود.



برابر کرده؛ این در حالی است که پارکینگ مناسبی برای این منطقه دیده نشده است.

کمبود پارکینگ مناسب و یا بهتر بگوییم فقدان پارکینگ، باعث پارک خودرو در معابر باریک و کم‌عرض محله شده و بسیاری

کوچه‌های اطراف محله جلفا، پارک خودرو و ایجاد مزاحمت برای ساکنان این محله است که باید به عنوان مشکل مهمی در محله جلفا به آن اشاره کرد.

محله جلفا با بافت تجاری محاصره شده و همین مسئله رفت‌وآمد به این منطقه را چند



زندگی مسالمت‌آمیز و دوستانه بین اقلیت‌ها، شاخصه مهم در بین مردمان شهر اصفهان است. محله جلفا همیشه مورد توجه سایر شهروندان شهر اصفهان بوده و آرامنه ساکن جلفا، سال‌های زیادی است که در اصفهان و در همسایگی مسلمان‌ها زندگی می‌کنند.

محله جلفا از تاریخ و گذشته غنی برخوردار و موزه بزرگی است که برای دیدن آثار تاریخی و باشکوه آن، باید ساعت‌ها وقت بگذاریم. قالب و بافت تاریخی محله جلفا در این سال‌ها هنوز ساختار خودش را حفظ کرده است و کوچه‌های این محله، بوی قدمت و تاریخ می‌دهند. سنگ‌فرش شدن کوچه‌های محله به این قدمت و بافت تاریخی، جلوه بهتری داده است و تلاش شده تا ظاهر محله حفظ شود؛ اما با تمام تلاش‌هایی که برای این بافت تاریخی انجام شده، هنوز مشکلات زیادی گریبان‌گیر ساکنان جلفاست.

شاید مهم‌ترین و کلافه‌کننده‌ترین مسئله، ترافیک و ازدحام در این محله است. بسیاری از کوچه‌های محله که به خیابان‌های پرازدحام اطراف نیز راه دارد، به محل عبور و مرور مردم عادی و راه میان‌بر برای فرار از ترافیک خیابان‌های حواشی، تبدیل شده است. همین مسئله بر ترافیک و مشکلات رفت‌وآمد افزوده است.

در کنار این ترافیک خسته‌کننده که تقریباً راه‌حل کارگشایی برای آن دیده نشده است، ورود خودروهای گذری و بازدیدکنندگان آثار تاریخی و مراجعه‌کنندگان مختلف در

## خون من رنگین تر از بقیه نیست روایتی کوتاه از زندگی شهیدان ورژ باغومیان و وارطان آبراهامیان

ورژ ۲۱ ساله در بیستم خرداد ۱۳۶۵ در قبرستان آرامنه به خاک سپرده می‌شود.

### وارطان اولین شهید ارمنی اصفهان بود

شهید وارطان آبراهامیان نیز یکی دیگر از شهدای آرامنه و نخستین شهید ارمنی اصفهان است. او در سی‌ام فروردین ۱۳۳۹ در روستای سینگرد از توابع شهرستان فریدن به دنیا آمد؛ وقتی خردسال بود با خانواده‌اش از فریدن به اصفهان آمدند. اوضاع نامساعد مالی او را از ادامه تحصیل بازداشت. دبیرستان را رها کرد و کار در مغازه نانوايي کنار پدر، جای درس و نیمکت را برایش گرفت؛ دو سال نیز به‌عنوان برق‌کار حرفه‌ای در پالایشگاه اصفهان مشغول به کار شد. سال ۵۸ وقت سربازی‌اش شد. هنوز سه ماه از خدمت مقدس سربازی‌اش در سنندج نگذشته بود که به دست منافقان در ۱۹ سالگی به شهادت رسید. پیکر پاکش بعد از انتقال به اصفهان و بدرقه جمعیت زیادی از آرامنه جلفای اصفهان و مسلمانان اصفهانی در قبرستان آرامنه اصفهان به خاک سپرده شد.



محاصره گروهک ضدانقلاب کومله قرار گرفته‌اند. گروهی برای کمک، آماده اعزام می‌شوند. قرار نیست ورژ با آن‌ها برود. وقتی می‌شنود دنبالشان می‌دود، خواهش می‌کند که او را با خود به منطقه محاصره ببرند. بالاخره او نیز عازم کربلای آن روز می‌شود. همه شهید می‌شوند. ورژ نیز همچون هم‌زمان شجاعش تا آخرین نفس می‌ایستد؛ ولی تقدیرش با شهادت نوشته شده است. به جز دو سرباز زخمی همه شهید می‌شوند. سرانجام،

آمد و خبر از اتمام دوره سربازی را بعد از این دو ماه داد. خانواده خوشحال از بازگشتش دنبال راه‌انداختن کسب‌وکاری برایش بودند؛ بی‌خبر از اینکه این بار آخرین دیدارشان بود.

### ۲۱ سالش بود که شهید شد

از مریوان نامه‌اش رسید و خانواده بی‌خبر از آینده‌ای که ورژ با یقین و اطمینان برای خودش رقم زده است. یک روز خبر می‌رسد ۲۷ سرباز در

اینجا قبرستان آرامنه است و چند مزار بیشتر از همه به چشم می‌آید؛ قبور شهدای آرامنه! آن‌هایی که وقت دفاع از وطن و ناموس که شد، مردانه رفتند، جنگیدند و شهید شدند. یکی از این سربازان بلندآوازه شهید، ورژ باغومیان، فرزند زارح باغومیان، است. او از آن نوجوان‌هایی بود که هنوز زمان معرفی‌اش نرسیده، داوطلب رفتن به جبهه شد. می‌گفت: «وقتی جنگ نیست، خدمت سربازی به چه درد می‌خورد؟ آن، وقت سربازی است.» تصمیمش را گرفته بود و هیچ‌کس و هیچ چیز جلودار تصمیم محکمش نبود. می‌گفت: «خون من رنگین تر از بقیه نیست.» بدون اطلاع از پدر و مادرش ثبت‌نام کرد و بعد از خداحافظی با پدر و مادر، رفت در پناه خدا.

### آخرین دیدار

با ژنرال‌های برق و تعمیراتش آشنا بود؛ برای همین بعد از دوره آموزشی در پایگاه هوانیروز کرمان در یگان مهندسی همان‌جا مشغول به کار شد. بنا بر دستور ارتش، چون دوران خدمتش از میدان نبرد دور بود، دو ماه به خدمتش اضافه و رهسپار منطقه جنگی شد. آخرین بار به دیدار خانواده‌اش



منیره فهامی

# نگاهی به مراسم سال نو ارامنه

گفت‌وگو با کشیش وارطان آقا بابایان، از روحانیون ارامنه محله جلفا

این بار قطار هم محله به ایستگاه جلفا می‌رسد؛ محله‌ای در اصفهان که معماری خانه‌هایش زیبا و متفاوت است و برای مراسم سال نو آن، شهروندان از نقاط مختلف شهر به جلفا می‌آیند. برای آگاهی از مراسم‌های آیینی اهالی ارامنه محله جلفا با کشیش وارطان آقا بابایان، از روحانیون ارامنه محله گفت‌وگو کردیم.

## ساعت تحویل سال نو اینجا ثابت مانده!

کشیش پس از سلام و احوالپرسی به نحوه برگزاری مراسم سال نو و قدمت تاریخی آن می‌پردازد:

در روز سال نو مسیحی چند عید پشت سرهم داریم. اولین عید، عید روز یکم ژانویه است. در شب ۳۱ دسامبر مثل هم‌وطنانمان که ایام نوروز، در شب قبل از عید در منازل خود مراسم برگزار می‌کنند، ما نیز در این عید دوهرم جمع می‌شویم و سال نو را جشن می‌گیریم. ساعت تحویل سال نو برای ما همیشه ساعت ۱۲ شب است. دلیل انتخاب این ساعت ثابت، ریشه در سنت‌های تاریخی و فرهنگی دارد؛ به این صورت که نیمه‌شب آغاز روز جدید در فرهنگ و سنت مسیحی پذیرفته شده است؛ بنابراین شروع سال نو نیز با همین ساعت مشخص می‌شود. این ساعت به عنوان لحظه‌ای نمادین، فرصتی است برای گردهمایی خانواده‌ها و جوامع، برای دعا و اندیشه به سال تازه و برای جشن و شادی جمعی. هم‌زمان با تحویل سال، چراغ‌ها روشن می‌شوند، مراسم مذهبی و اجتماعی برگزار و حس آغاز دوباره و تازگی در فضا، جاری می‌شود. به همین دلیل، ساعت ۱۲ نیمه‌شب تنها یک عدد روی ساعت نیست، بلکه نقطه‌ای است که مردم در سراسر جهان باهم، هم‌زمان لحظه آغاز سال جدید را تجربه می‌کنند و شادی و امید به سال نو را با دیگران شریک می‌شوند. در صبح روز عید، مراسم عشای ربانی را در کلیسای وانک انجام می‌دهیم. مردم در این مراسم حضور پرشوری در کلیسا دارند و به یکدیگر تبریک می‌گویند. البته باید به این نکته اشاره کنم که در این روز بابائوئل هم حضور دارد و عیدی و هدیه هم بین مردم تبادل می‌شود.

## بابائوئل که بود و چه کرد؟

آقابابایان سپس درباره شخصیت تاریخی بابائوئل و نام اصلی او چنین توضیح می‌دهد: «شخصیتی که امروزه با نام بابائوئل شناخته می‌شود، در واقع برگرفته از نیکولاس قدیس اهل شهر میرا است. ایشان در قرن چهارم میلادی در شهر «میرا» زندگی می‌کرد که امروزه در خاک ترکیه قرار دارد.

نیکلاس قدیس یک روحانی مسیحی و از خانواده‌ای مرفه بود که ثروت خود را صرف کمک به نیازمندان می‌کرد و به بخشندگی و دستگیری از فقرا شهرت داشت. بر اساس



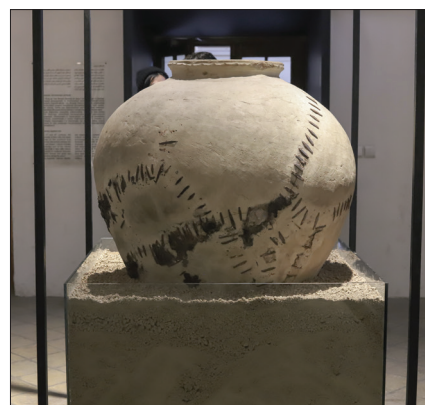
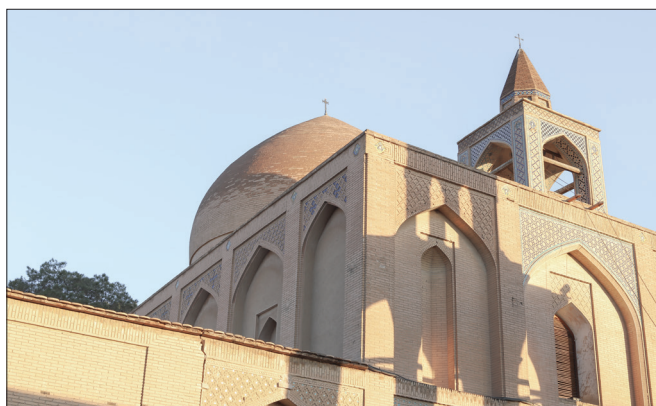
جامعه ارمنی. در مراسم عشای ربانی آب را تقدیس می‌کنیم؛ به این صورت که روغن مقدس را طی مراسم باشکوهی در آب می‌ریزیم و دعا می‌خوانیم تا آب بابرکت و تقدس الهی آغشته شود. در این مراسم، کشیش یعنی روحانی مسیحی، آب را تقدیس می‌کند و برکت و آرامش را برای همه جهان طلب می‌کند. بر اساس سنت کلیسای رسولی ارمنی، طی این مراسم آب مقدس در میان مردم توزیع می‌شود تا همگان از برکت و نعمت الهی بهره‌مند شوند. حال و هوای جلفا در سال نو دیدنی است او در ادامه می‌گوید: «در روزهایی که مراسم‌های آیینی در محله جلفای اصفهان برگزار می‌شود، نشاط و جوش و خروش فوق‌العاده‌ای در جلفا برجاست؛ چرا که به هر اندازه که این مراسم‌ها را به خوبی برگزار کنیم، سال پربرکت و خوبی خواهیم داشت؛ بنابراین از هیچ تلاشی برای بهتر برگزار شدن آن دریغ نمی‌کنیم. اگر اواسط دسامبر به محله جلفا بیاید شاهد حال‌وهوای سال نو و جشن خواهید بود. مغازه‌های ارامنه در محله جلفا نیز حال‌وهوای کریسمس می‌گیرد و شما شاهد درخت‌های کریسمس و حضور بابائوئل در ویترین مغازه‌ها هستید. از طرفی ما هم مثل بقیه هم‌وطنانمان در ایران معتقد هستیم که هر سالی را هرگونه که شروع کنید به همان صورت تا انتهای سال ادامه پیدا خواهد کرد. پس سال نو را به بهترین شکل شروع می‌کنیم تا سال را به خوبی هم به پایان برسانیم و این تفکر نشست‌گرفته از ایرانی بودن ماست. در مراسم سال نو همان‌گونه که در فرهنگ ایرانی دیدوبازدید وجود دارد، ما هم این برنامه را داریم و پس از تحویل سال شروع به دیدوبازدید می‌کنیم و به اقوام و نزدیکان هدیه می‌دهیم و عید را تبریک می‌گوییم.

۲۵ دسامبر که اصطلاحاً به آن «کریسمس» گفته می‌شود، روز تولد حضرت مسیح به روایت کاتولیک‌هاست؛ در سنت کلیسای ارامنه، ششم ژانویه هم به عنوان روز میلاد مسیح و هم غسل تعمید ایشان شناخته می‌شود و بر اساس کتاب مقدس، حضرت مسیح توسط حضرت یحیی تعمید داده شد و آب‌های رود اردن بابرکت الهی مزین گردید. علاوه بر تعمید، در سنت این کلیسا، جشن میلاد مسیح نیز در همان ششم ژانویه انجام می‌شد و این تاریخ، قدیمی‌تر از تاریخ ۲۵ دسامبر است که بعدها کلیسای رومی برای تولد حضرت مسیح تعیین کرد. کلیسای روم در قرن چهارم میلادی تولد حضرت مسیح را در ۲۵ دسامبر مشخص کرد تا هم‌زمان با جشن رومی «آفتاب بی‌پایان» برگزار شود و مردم تولد نور الهی را با نور خورشید هم‌زمان جشن بگیرند. ارامنه اما همچنان مراسم خود را در ششم ژانویه برگزار می‌کنند و طی آن غسل تعمید انجام می‌شود. این مراسم نه تنها یادآور تعمید و تولد حضرت مسیح است، بلکه فرصتی است برای تجربه برکت الهی، تجدید ایمان و پاسداشت سنت‌های الهی و ارتباط با ریشه‌های تاریخی و معنوی

روایت‌های تاریخی، او به‌طور پنهانی و اغلب در شب به افراد بی‌بضاعت کمک مالی یا هدیه می‌رساند تا کرامت آنان حفظ شود. در سنت‌های سال نو ارامنه، تزیین درخت کاج به جشن سال نو میلادی مربوط است. این درخت نماد تازگی، تداوم زندگی و برکت سال آینده دانسته می‌شود و خانواده‌ها با آراستن آن، آرزوی رفاه، صلح و خوشبختی برای سال جدید می‌کنند. تا امروز این مراسم به‌صورت مستمر انجام شده است؛ خصوصاً در مناطقی که فرزند کوچک وجود دارد، پدر و مادرها درخت کاج را تزیین می‌کنند و هدیه‌ها را آماده می‌کنند تا زمانی که فرزندان صبح از خواب بیدار شدند هدیه خود را از زیر درخت کاج بردارند. دیدن هدیه‌ها و برداشتن آن‌ها برای فرزندان شادی و هیجان فراوانی به ارمغان می‌آورد و احساس برکت و محبت خانواده را در آغاز سال جدید تجربه می‌کنند. ما ارامنه مسیحی که ارتدوکس مشرقی هستیم در روز ششم ژانویه، یعنی شش روز بعد از تحویل سال، جشن میلاد حضرت مسیح و غسل تعمیدش را انجام می‌دهیم.



مریم نقیان



مدیر فنی و گرافیک علیرضا مظاهری  
 طراح و صفحه‌آرایی علی نصرآزادانی  
 دبیر تحریریه ویژه نامه زهره سادات کاظمی  
 تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مهناز احمدی، دلارام قندهاری  
 مریم نقیان، زینب دبیری، زهره سادات طالقانی و اکرم کیانی  
 ویراستاران عدرا دیانی، سارا حفیظی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا  
 مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده  
 مدیرعامل احسان تیموری سیجانی  
 سردبیر محمدحسین اعترازیان  
 دبیر ویژه‌نامه محسن حیدری فرد  
 عکس کوثر رحیمی

اصفهان زیبا  
 همراه



برای دیدن تصاویر بیشتر  
 بارکد را اسکن کنید